بسم الله الرحمن الرحیم

Im Namen Allahs des Barmherzigen des Gnädigen.

آلمانی (۲)

سال دوم دبیرستان

Wir lernen Deutsch

۱۳۹۱

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : **دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی**

نام کتاب : **آلمانی (۲) ـ ۲۳۵/۲**

مؤلّفان : **دکتر فرزین بانکی، صدیقه وجدانی، هایده زرگری‌زاده، ژیلا همتیان، توران فیض‌الله‌زاده و لادن لنگری**

اصلاح و بازنگری : **سعید کفایتی**

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : **ادارهٔ کلّ چاپ و توزیع کتاب‌های درسی**

تهران :خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش(شهیدموسوی)

تلفن : ۹ ـ ۸۸۸۳۱۱۶۱ ، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶ ، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،

وب سایت : **www.chap.sch.ir**

نقاش : **صادق صندوقی، محمّدحسن معماری**

صفحه‌آرا : **راحله زادفتح‌اله**

طراح‌جلد : **علیرضا رضائی‌کُر**

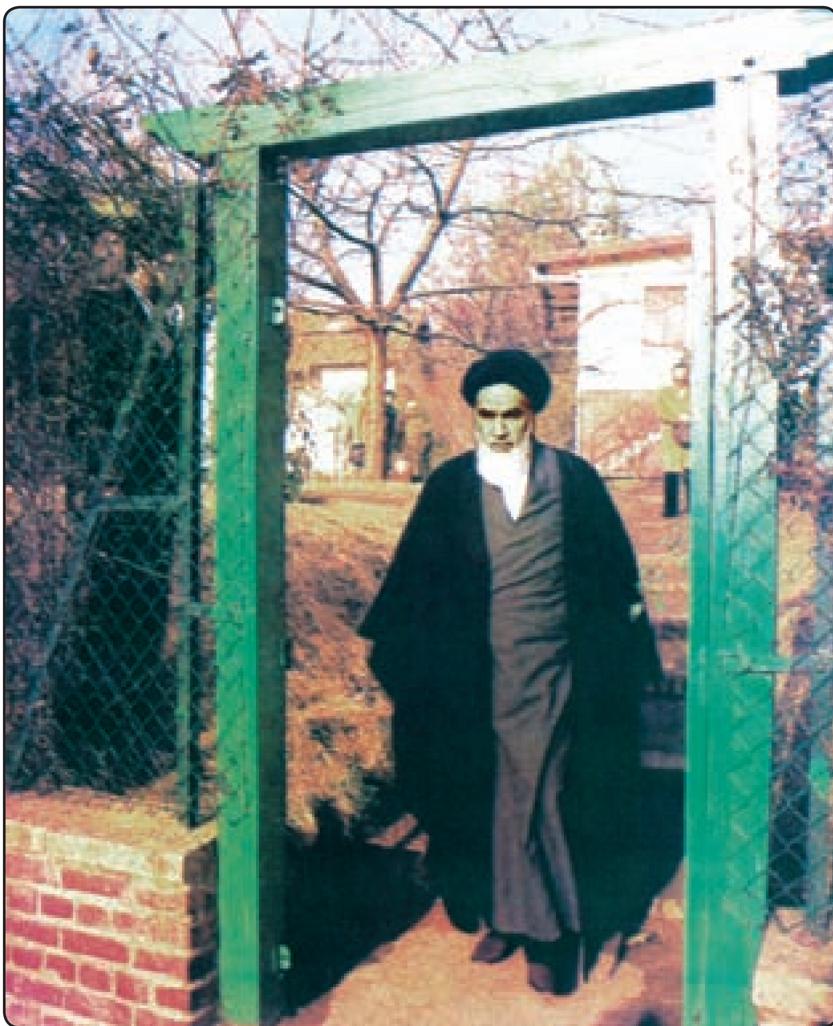
ناشر : **شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادّهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش)**

تلفن : ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵

چاپخانه : **نادر**

سال انتشار : **۱۳۹۱**

ISBN 964-05-1585-X   شابک X-۱۵۸۵-۰۵-۹۶۴



پیشتر به زبان(خارجی)احتیاج نبود. امروز احتیاج است. باید زبان‌های زندهٔ دنیا جزو برنامهٔ تبلیغات مدارس باشد... امروز مثل دیروز نیست که صدای ما از ایران بیرون نمی‌رفت. امروز ما می‌توانیم در ایران باشیم و در همه جای دنیا با زبان دیگری تبلیغ کنیم.

امام خمینی «قدّس سرّه الشّریف»

بسمه تعالی

پیشگفتار

امروزه به علت سرعت فزاینده پیشرفت دانش بشری و انتشار نتایج آن‌ها به زبان‌های زندهٔ دنیا، آموختن حداقل یک زبان خارجی از اهمیت ویژه برخوردار است و یکی از اهداف عمدهٔ آموزش زبان های خارجی این است که به عنوان وسیله ای برای استفاده و بهره‌گیری از منابع علمی به کار رود. به همین جهت آموزش زبان‌های خارجی در نظام‌های آموزش و پرورش جهان متداول بوده است. از طرفی طبق یافته‌های روانشناسی یادگیری و اصول علمی برنامه ریزی درسی باید عامل نیاز، علاقه و انگیزه دانش‌آموز در انتخاب مواد و مطالب درسی مفید در نظر گرفته شود. از این‌رو اکنون با در نظر گرفتن ملاحظات فوق علاوه بر زبان انگلیسی، زبان های آلمانی و فرانسه نیز در برنامه‌های درسی شش ساله دوم تحصیلی مدارس منظور شده است تا آنان بتوانند زبان خارجی مورد علاقه خود را برگزینند.

مطالب کتاب به گونه‌ای تدوین شده است که آموزش زبان بیشتر بر انتقال ساختارهای جمله تأکید دارد تا آموزش مطالب دستوری صِرف. علاوه بر این با گنجانیدن تمرین‌های کافی، امکانِ انتخاب نوع تمرین برای دبیران محترم فراهم آمده است.

امید است این کتاب برای معلمان و دانش‌آموزان عزیز مفید باشد. همچنین در ادامه به منظور آموزش مفیدتر زبان آلمانی در آینده نزدیک، نظر شما همکاران محترم را به چشم‌انداز آموزش زبان‌های خارجی معطوف می‌داریم؛

چشم انداز آموزش زبان‌های خارجی

با لطف ومدد الهی، همسو با برنامه‌ریزی‌های جدید به منظور بسترسازی برای ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی ــ تربیتی کشور، در گروه زبان‌های خارجی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، نظریه و رویکردی نوین و نوآورانه مورد توجه صاحبنظران و کارشناسان قرار گرفت.

در این رویکرد، ضمن توجه به اهمیت پرداختن به چیستی، چرایی و چگونگی فعالیت‌های آموزشی ــ تربیتی، آموزش کیفی و توأمان مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی (گوش دادن، سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن) و کیفی‌سازی آموزش مهارت‌های یادگیری نیز مد نظر است. در این راستا، فراگیرندگان باید متفکرانه، عاقلانه و عالمانه از یک سو، و با نگاهی دوسویه، هدف‌مند و ارزش‌مدار از سویی دیگر، فعالانه

و آگاهانه، مهارت‌آموزی کنند.

به منظور دست‌یابی به زیبایی‌شناسی فطری، تألیف کتاب‌های درسی جدید رویکردی تفکرگرا، تعقل‌محور و خودشکوفا دارد و در آن ایجاد ارتباطی سالم، با نشاط، ارزش‌مدار، هدفمند، فعال، پویا، معنادار، دوسویه و تأثیرگذار، مورد تأکید است. در برنامه‌ریزی‌های جدید، رویکرد تألیف کتاب‌های زبان‌های خارجی به ویژه زبان انگلیسی، از نگاهی علمی ــ معرفتی، منطقی و فرهنگی برخوردار است که در واقع ارزش‌های هویتی اسلامی ــ ملی‌مان را در بر دارد. این برنامه، کیفی‌سازی آموزش زبان را با نگرشی توحیدی نسبت به تنظیم اهداف، محتوا، روش یاددهی، ارزش‌یابی فرایندی و ... نیز پوشش می‌دهد.

در این رویکرد، پیام های آموزشی ــ تربیتی از مرز مفاهیم پیشتر می‌روند و کاربردی می‌شوند. فراگیرندگان در فضای آموزشی ــ تربیتی و کلاس درس، مصرف‌کنندهٔ صرف اطلاعات دریافتی نیستند، بلکه خود می توانند ناقد و تحلیل‌گر محتوای آموزشی باشند و بر رشد فرایندی فعالیت‌های علمی ــ معنوی در مشارکتی معنادار بیفزایند و هم‌افزایی کنند.

هم چنین در برنامه‌ریزی‌های جدید بسته‌های آموزشی ــ تربیتی، علاوه بر کتاب درسی به عنوان منبع اصلی، کتاب کار و نرم افزار آموزشی برای خودآموزی فراگیرندگان، کتاب راهنمای معلم و فعالیت‌های جانبی و مکمل دیگری از جمله معرفی سایت‌های مفید و فیلم‌های زیرنویس‌دار دو یا سه زبانه، سی‌دی‌ها و کتاب های آموزشی ــ تربیتی و تولیدات جدید و ... نیز مورد توجه است. لذا در امر آموزش، علاوه بر توجه به کیفی سازی مهارت‌های یادگیری و مهارت‌های دریافتی، توجه به مهارت‌های تولیدی به ویژه سخن گفتن و نگاشتن، ضمن دقت در فلسفهٔ آموزش و فراگیری هم‌چنین تقویت نگاه و روحیهٔ پرسش‌گری و پاسخ گویی مسئولانه و ... ملاک فعالیت‌هاست تا ویژگی‌های انسان از دیدگاه قرآن حکیم (تفکر، تعقل، علم، ایمان به خالق هستی بخش، عمل صالح و اخلاق نیکو) در فرد متبلور شوند و فراگیری معنادار به تغییر رفتار مستمر و پایدار در مسیر الهی بینجامد. در برنامه‌ریزی‌های جدید سعی شده است، ضمن ایجاد نشاط علمی در فضای آموزشی ــ تربیتی، رشد تربیت علمی ــ معرفتی و تعمیق فعالیت‌های مفید فرهنگی، به ویژه فرهنگ‌سازی برای تولید محتوا، مدنظر قرار گیرد. به علاوه، بر توسعهٔ انسانی فطرت‌گرا، گسترش زیبایی‌شناسی فطری، اهمیت و جایگاه علم و معرفت کاربردی در زندگی تأکید شود و در راستای چشم‌انداز ۲۰ سالهٔ نظام جمهوری اسلامی ایران، برای رشد و تعالی ارتباطات انسانی ــ اجتماعی جامعهٔ بشری، ارتباطات زبانی را ارزش مدار، معنادار، تأثیرگذار، مفید و خودباورانه سازد.

گروه درسی زبان های خارجی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

http://eng-dept.talif.sch.ir

Im Namen Allahs

Inhaltsverzeichnis

Lektion

1

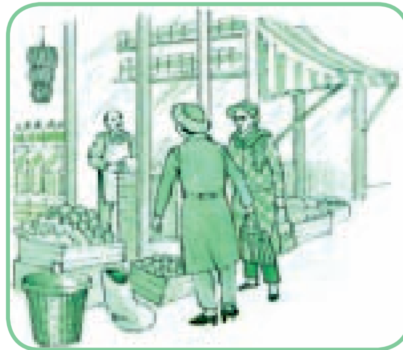
2

6

Lektion 1

1A

Ernährung



1. Für wen koche ich eigentlich?

Es ist Montagmittag, ein Uhr. Frau Danesch ist in der Küche und macht das Mittagessen. Das Telefon klingelt. Herr Danesch ist am Apparat.
“Ich bin noch im Büro”, sagt er, “ich komme heute nicht zum Essen. Ich muß noch arbeiten.”
Ali kommt in die Küche.

A: Ist das Mittagessen fertig?
FD: Noch nicht. In einer halben Stunde.
A: Das ist zu spät. Ich will zum Fußballplatz. Kann ich ein Stück Brot haben?
FD: Natürlich. Hör mich bitte genau zu. Vater kommt nicht, und du willst auch losgehen. Also, sag mal! Für wen koche ich eigentlich?
A: Du hast Recht Mutti!

2. Wo ist denn mein Heft?

Am Mittwochnachmittag kommt Parwin früh aus der Schule.
“Wo ist denn mein Heft?” fragt sie.
Niemand weiß es. Sie geht ins Wohnzimmer. Da ist es auch nicht.
Vielleicht ist es in der Küche.



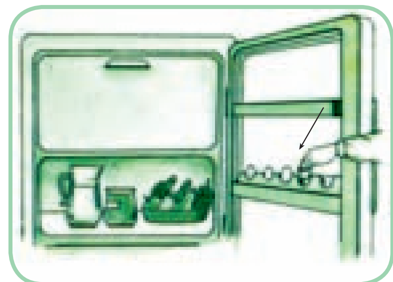
3. Unsere Küche

Unsere Küche ist nicht sehr groß. Gleich rechts steht der Kühlschrank. Im Kühlschrank finden Sie Eier, Käse und Butter, Obst und Gemüse, aber auch Wasserflaschen.
Mutter legt das Fleisch in das Gefrierfach.
In der Küche gibt es viele Regale. Hier finden Sie die Teller, Pfannen und Töpfe, aber auch ein Kochbuch.
Können Sie kochen?
Dann kommt unser Gasherd.
Ohne Herd können Sie natürlich nicht kochen. Dort in der Ecke steht der Mülleimer. Kommen Sie, der Tee ist schon fertig.

Übungen

wohin ⟶

wo ●



1. der - in den - im

Beispiel:
Hier ist ***der Kühlschrank***.
Wohin *legt* Frau Danesch die Eier?
Sie *legt* die Eier ***in den Kühlschrank***.
Wo *liegen* die Eier?
Die Eier *liegen* ***im Kühlschrank***.

Und jetzt schreiben Sie Sätze nach dem Beispiel und üben Sie mündlich.

Wohin legt Frau Danesch das Obst?

(Korb , Teller , Kühlschrank , Küchenschrank)

Wo ist ....? ....

2. das - ins - im

Beispiel:

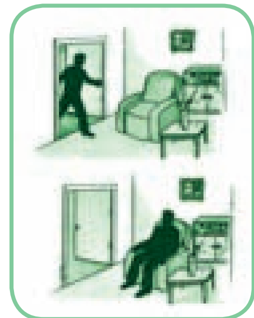
Hier ist **das Wohnzimmer**.

Wohin geht Herr Danesch?

Er geht **ins Wohnzimmer**.

Wo ist er jetzt?

Er ist jetzt **im Wohnzimmer**.



Und jetzt bilden Sie Sätze.

a)Wohin geht Herr Danesch?

(Restaurant, Theater, Café, Krankenhaus, Rathaus, Büro, Wohnzimmer)

b) Wo ist er? - ....

3. die - in die - in der

Beispiel:

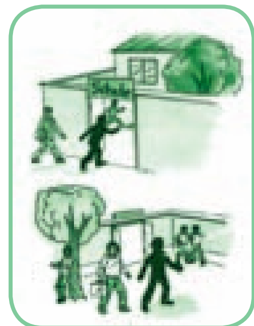
Hier ist **die Küche**.

Wohin geht Ali?

Ali geht in **die Küche**.

Wo ist er jetzt?

Er ist jetzt in **der Küche**.



Und jetzt bilden Sie Sätze.

a) Wohin geht Herr Alawi?

(Küche, Telefonzelle, Post, Stadt, Schule)

b) Wo ist er? - ....

4. wo und wohin

a) Wohin geht Ali heute?

Ich weiß nicht, vielleicht in den Park.

(Büro , Wohnzimmer , Küche , Telefonzelle , Bahnhof)

b) Wo ist Ali jetzt?

Ich weiß nicht, vielleicht im Park.
(Büro , Wohnzimmer , Küche , Telefonzelle , Bahnhof)

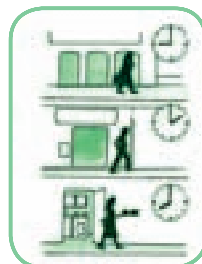
5. Wo ist (Wo sind) ....? ....

Beispiel:
Ali bringt den Stuhl in den Garten.
O Wo ist der Stuhl jetzt?
Δ Er ist im Garten.
a) Frau Danesch legt den Zettel in die Küche.
b) Ali bringt die Fahrkarte ins Büro.
c) Mina legt die Zeitung ins Wohnzimmer.

6. a. woher: aus dem - aus der

Üben Sie mündlich.

Es ist neun Uhr. Frau Alawi kommt aus dem Hauptbahnhof.
Es ist zwei Uhr. Ali kommt aus der Schule.
Es ist acht Uhr. Frau Alawi kommt aus der Küche.
Woher kommt Frau Alawi um 9 Uhr?
Um 9 Uhr kommt sie ....
Woher kommt Ali ...?
Um ....
Woher ....?
....



6. b.

a) *Herr Ahmadi* .... *sieben Uhr* .... *Büro.*
b) Amin .... elf Uhr .... Stadt.
c) Herr Danesch .... acht Uhr .... Café.
d) Herr Adib .... ein Uhr .... Restaurant.
e) Herr Nuri .... zwölf Uhr .... Hotel.
f) Frau Adib ....11 Uhr 15 .... Moschee.
g) Herr Müller .... abends .... Stadt.

7. Ergänzen Sie bitte.

Herr Alawi legt das Fleisch .... Pfanne. Dann geht er .... Wohnzimmer.

Nach zwanzig Minuten geht er .... Küche. Das Fleisch ist fertig. Er nimmt es .... Pfanne und ißt es. Dann geht er .... Theater. Um zehn Uhr kommt er .... Theater. Dann geht er nach Hause.

Grammatik — *1B*

a) Präpositionen

(1) aus - in

		Dativ woher?	Akkusativ wohin?	Dativ wo?
Mask. Neutr.	der das	aus dem	in den ins (in das)	im
Fem.	die	aus der	in die	in der
Herr Alawi		kommt aus dem Bahnhof. dem Büro. der Küche.	geht in den Bahnhof. ins Büro. in die Küche.	ist im Bahnhof. im Büro. in der Küche.

(2) zum / zur - in den / das / die

Mask. Neutr. Fem.	der das die	Sie geht <u>zum</u> Bahnhof. Sie geht <u>zum</u> Fotogeschäft. Sie geht <u>zur</u> Telefonzelle.

Mask. Neutr. Fem.	der das die	Sie geht <u>in den</u> Bahnhof. Sie geht <u>ins</u> Fotogeschäft. Sie geht <u>in die</u> Telefonzelle.

b) Das Verb - Präsens

(1) arbeiten - antworten

Sie/sie/wir	ich	er/sie/es	du	ihr
arbeiten antworten	arbeite antworte	arbeitet antwortet	arbeitest antwortest	arbeitet antwortet

(2) gehen - fahren (die Vokaländerung im Verbstamm)
e---i (e) , a --- ä

Sie/sie/wir	ich	er/sie/es	du	ihr
essen	esse	ißt	ißt	eßt
geben	gebe	gibt	gibst	gebt
helfen	helfe	hilft	hilfst	helft
lesen	lese	liest	liest	lest
nehmen	nehme	nimmt	nimmst	nehmt
sehen	sehe	sieht	siehst	seht
fahren	fahre	fährt	fährst	fahrt

Übungen

1. Wie kommt man zum ....?
der - das: zum

Δ Gibt es hier einen Bahnhof?
O Ja.
Δ Und wo geht's zum Bahnhof?
(Und wie kommt man zum Bahnhof?)
O Gehen Sie geradeaus. Da geht's zum Bahnhof.
(Dann kommen Sie zum Bahnhof).

a) Flughafen (nach links fahren)
b) Rathausplatz (nach rechts fahren)
c) Café (geradeaus gehen)
d) Moschee (am Bahnhof rechts fahren)
e) Kino (zum Rathaus gehen, dann links)

f) Museum (nach fünf Minuten rechts in die Baharstraße gehen)
g) Postamt (erst links, dann an der Ampel rechts fahren)

2. Wie kommt man zur .... ?
die: zur
Bitte, wo geht's (wie kommt man) zur Moschee?
a) Telefonzelle (geradeaus)
b) Schule (rechts)
c) Post (links)

3. Wohin?
3-1. der: in den
a) Morgen gehen wir .... Park.
b) Ali, leg den Fisch .... Kühlschrank!
c) Warum werfen Sie das Brot .... Mülleimer?

3-2. das: ins
a) Bitte, bringen Sie diesen Brief .... Büro!
b) Kommen Sie um zwei .... Restaurant.
c) Gehen Sie mit .... Theater?
d) Leg das Buch .... Wohnzimmer.

3-3. die: in die
a) Frau Danesch geht .... Küche.
b) Ali geht .... Schule.
c) Herr Alawi geht .... Telefonzelle.

4. wo?
4-1. der - das: im
a) Herr Nuri arbeitet .... Büro.
b) Ali ist .... Restaurant.
c) Der Speiseplan hängt .... Flur.
d) Das Fleisch ist .... Kühlschrank.

4-2. die: in der

a) Der Zettel liegt .... Küche.

b) Herr Müller ist .... Kirche.

c) Der Herr ist .... Telefonzelle.

4-3. der - das: aus dem

a) Wann kommen Sie .... Büro?

b) Wer kommt da .... Restaurant?

c) Nehmen Sie die Butter .... Kühlschrank.

d) Um fünf kommt Ali .... Stadion.

5. woher?
die: aus der

a) Sie müssen das Fleisch .... Pfanne nehmen!

b) Kommst du immer so spät .... Schule?

c) Frau Ahmadi holt das Kochbuch .... Küche.

d) Da kommt ein Herr .... Telefonzelle.

6. Liest dein Bruder gern Romane?
Er nicht, aber ich lese gern Romane.

a) Sieht dein Bruder gern fern?

b) Nimmt dein Bruder noch einen Apfelsaft?

c) Ißt dein Bruder gern Fisch?

d) Hilft deine Schwester in der Küche?

7. Ergänzen Sie die Endungen.

a) Herr Müller arbeit .... nicht mehr in dieser Firma.

b) Wir können nicht kommen, wir müssen arbeit ....

c) Freitags arbeit .... ich nicht gern.

d) Herr Adib arbeit .... in einem Schreibwarengeschäft.

e) Wo arbeit .... du?

8. Ergänzen Sie: zu- / in - / in- /

a) Bitte, fährt dieser Bus .... Flughafen?

b) Heute abend gehen wir .... Kino.

c) Herr Danesch ist .... Hotel “Park”.

d) Bringen Sie Frau Alawi bitte .... Bahnhof.
e) Bitte, wie weit ist es bis .... Kargarstraße?
f) Gehen Sie .... Asadiplatz und dann nach links.

9. Schreiben Sie die richtigen Formen von liegen und legen.
a) Das Kochbuch .... in der Küche.
b) .... Sie die Tomaten in die Pfanne.
c) Die Schlüssel .... in der Telefonzelle.
d) Auf dem Kühlschrank .... ein Zettel.
e) .... Sie das Geld bitte auf den Tisch.
f) Wo .... das Fernsehprogramm?
g) Warum ... du das Fernsehprogramm nicht auf den Fernseher?

Vitamine *1C*

Vitamine sind lebenswichtige Stoffe. Der Körper selbst kann sie nicht bilden. Wir benötigen täglich kleine Mengen und nehmen sie mit den Nahrungsmitteln auf. Es gibt über 30 verschiedene Vitamine. Man kennzeichnet sie mit Buchstaben. Vitamin A ist zum Beispiel für das Wachstum notwendig. Es erhält auch die Horn und Bindehaut der Augen. Dieses Vitamin darf in der Ernährung nicht fehlen, sonst wird man krank, bekommt Hautschäden und kann sogar blind werden.
Besonders viel Vitamin A enthalten Spinat, Karotten, Tomaten, Eigelb, Leber, Milch und Butter.
Obst und Gemüse sind sehr vitaminreich.
Sie enthalten vor allem Vitamin C.
Es schützt vor schneller Ermüdung,
Erkältung und Zahnfleischbluten.



Es gibt Es enthält Es schützt	hat immer ein Akkusativobjekt.

Mehdi macht einen Plan.

Mittwoch	Donnerstag	Freitag
8 00 Schule	8 00 Schule	6 00 Gebirge
(Chemie, Deutsch,	(Physik, Literatur,	14 00 Moschee
Sport, Mathematik)	Geographie, Geschichte)	16 00
14 00 Schreibwarengeschäft	15 00 Stadion	Krankenhaus
(2 Hefte, Kugelschreiber)	(Fußballspiel Klasse 4a-4b)	(Ali)
16 00 Laden	17 00 Haus	20 00 Fernsehen
(Eier, Käse)	(lernen)	(Film)

Am Mittwoch will Mehdi um sieben Uhr in die Schule gehen. Dann will er ... .
Um 14 Uhr will er ... .

Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen.

Wie heißt das?	Keine Ahnung!
Was ist denn das ...?	Moment mal./Moment, bitte!
Was ist denn ... ?	Augenblick, bitte!
	Das ist ... glaube ich!
	Natürlich! Ich weiß nicht

Kannst du das buchstabieren?
Können Sie den Namen buchstabieren?
Wie schreibt man das?
Wann sagt man “ins”, und wann sagt man “in das”?

Wollen wir ins Kino gehen?	Ja, gern!
	Ja, was gibt’s denn?
Es gibt ... . Gehen wir hin?	Ja, wann denn?
	Ja, um wieviel Uhr denn?
	Das geht nicht. Ich muß ...
	Ich habe leider keine Zeit.
	Ich weiß nicht.

Wochentage

Am Sonntag regnet es, o weh!
Am Montag aber kommt der Schnee.
Am Dienstag sind die Plätze weiß.
Am Mittwoch gehen wir auf das Eis.
Am Donnerstag ist der Himmel blau.
Am Freitag ist das Wetter grau.
Am Samstag, ach, wo ist der Schnee?
Am Sonntag regnet es, o weh!

Erich Weinert

Wiederholungsübung

Was kommt in die Lücke, a, b oder c? Kreuzen Sie an.

Wo machen Sie was?

Sie wollen (1) ...im... Flughafen einen Flugschein kaufen. Sie nehmen (2) .... Bus und fahren (3) .... Flughafen. Dann gehen Sie in (4) .... Flughafen und gehen (5) .... Schalter. Dann wollen Sie telefonieren. Sie gehen (6) .... Telefonzelle. Sie ist besetzt. Jetzt kommt ein Mann (7) .... Telefonzelle. Sie gehen (8) .... Telefonzelle und telefonieren. Dann gehen Sie (9) .... Bus und fahren (10) .... Stadt. (11) .... Stadt gehen Sie (12) .... Hotel. Dann wollen Sie essen und gehen (13) .... Restaurant. Es gibt aber kein Essen. Sie gehen (14) .... Café und essen einen Kuchen.

1. a) im ✓	b) in der	c) ins
2. a) einen	b) eine	c) ein
3. a) zum	b) zur	c) ins
4. a) die	b) den	c) das
5. a) zur	b) in die	c) zum
6. a) zum	b) ins	c) zur
7. a) an die	b) aus der	c) an das
8. a) im	b) in die	c) ins
9. a) zum	b) zur	c) ins
10. a) in der	b) im	c) in die
11. a) In die	b) In der	c) Im
12. a) zum	b) in die	c) zur
13. a) ins	b) im	c) in die
14. a) zur	b) in die	c) ins

2A

Wo möchten Sie lieber wohnen, auf dem Lande oder in der Stadt?



1. Ein Interview auf der Straße

R: Reporter *H: Herr Ahmadi*

R: Bitte, darf ich Sie was fragen?
H: Ja, was denn?
R: Woher kommen Sie?
H: Aus Iran.
R: Was sind Sie von Beruf?
H: Ich bin Fernfahrer.
R: Und wo wohnen Sie, in der Stadt oder auf dem Lande?
H: In der Stadt, Teheran.
R: Wie viele Zimmer hat Ihre Wohnung?
H: Drei, und das ist zu wenig.
Zwei Erwachsene und zwei Kinder in einer Dreizimmerwohnung, wissen Sie, das geht einfach auf die Dauer nicht.
R: Wohnen Sie gern in der Stadt?
H: Nein.

R: Und warum nicht?
H: Weil es da zu laut ist, ... Weil es zu viele Autos gibt. Überhaupt, das Leben dort ist ungesund.
R: Möchten Sie lieber auf dem Lande wohnen, in einem Dorf?
H: Ja, das ist mein Traumwunsch. Vielleicht ziehe ich später aufs* Land.

2. Ein Interview im Dorf



(R: Reporterin F.B: Frau Bauer)
R: Bitte, wo wohnen Sie?
F.B: Ich? Wir haben ein Haus,ein Einfamilienhaus, auf dem Lande, fünfzig Kilometer von hier.
R: Und wie viele Personen sind Sie?
F.B: Zwei, nur mein Mann und ich.
R: Wohnen Sie gern dort?
F.B: Nein, jetzt nicht mehr. Das Haus ist zu groß und zu teuer. Mein Sohn und meine Tochter wohnen in Stuttgart. Mein Mann ist nicht mehr berufstätig, und wir haben auch kein Auto mehr. Wir möchten auch in die Stadt ziehen, in eine kleine Wohnung.

---

* aufs = auf das

Übungen (mündlich)

1. Wo wohnen Sie, in der Stadt oder auf dem Lande?
Wie viele Einwohner hat die Stadt?

10 000 - 100 000 zehntausend ...	100 000 - 900 000 hunderttausend ...	1 000 000 eine Million
die Kleinstadt	die Großstadt	die Millionenstadt

Wohnen Sie in einer Kleinstadt oder in einer Großstadt?
Wie viele Millionenstädte gibt es in Ihrem Land?
Wo möchten Sie lieber wohnen, in einer Kleinstadt oder in einer Millionenstadt?
In welcher Stadt (In welchem Land) möchtest du gern wohnen?
(Wien, Paris, Teheran, München ...; die Bundesrepublik Deutschland, die Türkei; Iran, Österreich, ...)

2. Gibt es in der Stadt, wo Sie wohnen, eine Moschee, eine Kirche, einen Flughafen, ein Museum, eine Bahn, ein Stadion?
- Ja, in der Stadt, wo ich wohne, gibt es ein Stadion.
  Nein, in der Stadt, wo ich wohne, gibt es kein Stadion.

3. Wie viele Millionenstädte gibt es in Ihrem Land? ....
4. Welche sind das? ....
5. Welche Länder kennen Sie? ....
6. Ist dein Vater berufstätig? ....
7. Arbeitet er zu Hause? Arbeitet er in einem Büro? ....
8. Wie viele Personen seid ihr zu Hause? ....
9. Wie viele Kinder haben deine Eltern? ....
(Einen Sohn, zwei Söhne, drei Töchter) ....

a) Präpositionen

		Akkusativ wohin?	Dativ wo?
Mask. Neutr. Fem.	der das die	auf den aufs (auf das) auf die	auf dem auf dem auf der
		Legen Sie den Stadtplan auf den Tisch! Er zieht aufs Land. Er geht auf die Straße.	Der Stadtplan liegt auf dem Tisch. Er wohnt auf dem Lande. Er steht auf der Straße.

b) legen - liegen; stellen - stehen; hängen

Akk. Legen Sie den Stadtplan auf den Tisch!
Dat. Der Stadtplan liegt auf dem Tisch.

Akk. Stellen Sie das Buch ins Regal!
Dat. Das Buch steht im Regal.

Akk. Hängen Sie den Speiseplan in den Flur!
Dat. Der Speiseplan hängt im Flur.

c) Der Imperativ

Sie - Form	du - Form	ihr - Form
Holen Sie!	Hol!	Holt!
Kommen Sie!	Komm!	Kommt!
Antworten Sie!	Antworte!	Antwortet!
Nehmen Sie!	Nimm!	Nehmt!
Lesen Sie!	Lies!	Lest!
Sehen Sie!	Sieh mal!	Seht mal!
Ausnahme:		
Seien Sie!	Sei!	Seid!

d) Ländernamen

Wohin fahren Sie im Urlaub?	Nach Italien (Frankreich, Pakistan, England ...). In die Schweiz (in die Türkei, in die Bundesrepublik Deutschland)
Wo wohnen Sie?	In Iran (...). In der Schweiz (...).
Woher kommen Sie?	Aus Iran (...). Aus der Schweiz (...).

Einige Ländernamen haben den bestimmten Artikel.

e) jemand - niemand
Kennen Sie jemand (en) in Hamburg? - Nein, da kenne ich niemand(en).

f) warum? - weil ...
Das Büro ist nicht weit.
Δ Warum wohnen Sie in der Innenstadt?
O Weil das Büro nicht weit ist.

Diese Wohnung ist zu klein.
Δ Warum suchen Sie eine neue Wohnung?
O Weil diese Wohnung zu klein ist.

Ein Haus ist zu teuer.
Δ Warum kaufen Sie kein Haus?
O Weil ein Haus zu teuer ist.

Übungen

1. Fragen Sie weiter.
Beispiel: Sie gehen in ein Restaurant?
Essen Sie gern **in einem** Restaurant?

a) Sie ziehen in ein Dorf?
Wohnen Sie gern .... Dorf?
b) Sie ziehen in ein Hochhaus?
Wohnen Sie gern .... Hochhaus?

c) Sie kaufen ein Einfamilienhaus?
Wohnen Sie gern .... Einfamilienhaus?
d) Sie haben ein Büro?
Arbeiten Sie gern .... Büro?

2. Antworten Sie.
Beispiel: Sie ziehen in eine Kleinstadt?
Ja, ich wohne gern **in einer Kleinstadt.**
a) Sie ziehen in eine Zweizimmerwohnung?
Ja, ich wohne gern ....
b) Sie gehen schon wieder in eine Moschee?
Ja, ich bin gern ....
c) Sie kommen gern in die Großstadt?
Ja, ich bin gern ....
d) Sie gehen abends in ein Kino?
Abends bin ich immer ....

3. Reagieren Sie.
Beispiel: Ich suche eine Vierzimmerwohnung.
Die suchen wir auch. Aber es gibt nicht viele Vierzimmerwoh nungen.
a) Ich suche ein Einfamilienhaus.
b) Ich suche ein schönes Museum.
c) Ich suche ein gutes Kino.
d) Ich suche ein gutes Restaurant.
e) Ich suche eine Wohnung am Stadtpark.

4. Antworten Sie nach dem Beispiel.
4-1. Beispiel: Sie wohnen doch in einem Dorf, nicht?
(Kleinstadt)
Nicht mehr. Ich wohne jetzt in einer Kleinstadt.
a) Sie wohnen doch in einem Wolkenkratzer, nicht?
(Einfamilienhaus)
b) Sie wohnen doch in einem Einfamilienhaus, nicht?
(Vierzimmerwohnung)
c) Sie arbeiten doch in einem Büro, nicht?
(Firma)
d) Sie wohnen doch in einem Hotel, nicht?
(Einzimmerwohnung)

4-2. Beispiel:

Wohnen Sie gern auf dem Lande?

Eigentlich nicht. Ich möchte lieber in einer Kleinstadt wohnen.

a) Arbeiten Sie gern im Büro? (Restaurant)
b) Wohnen Sie gern in einem Hochhaus? (Einfamilienhaus)
c) Wohnen Sie gern in einem Dorf? (Großstadt)
d) Arbeiten Sie gern zu Hause? (Firma)
e) Arbeiten Sie gern in einer Firma? (Geschäft)

4-3. Beispiel:

Gibt es in deiner Stadt ein Museum?

Nein, ein Museum haben wir nicht. Die Stadt ist viel zu klein.

a) Dorf - Schule
b) Schule - Café
c) Kleinstadt - Bibliothek
d) Stadt - Flughafen

4-4. Beispiel:

Ist diese Wohnung nicht schön?

Schön ist sie, aber viel zu teuer.

a) Wohnung - schön (groß)
b) Buch - schön (teuer)
c) Haus - schön (klein)
d) Zimmer - schön (teuer)

4-5. Beispiel:

Nehmen Sie doch diese Wohnung!

Die ist zu groß.

(Die nehme ich nicht, weil sie zu groß ist.)

a) Kauf doch dieses Heft! (teuer)
b) Nehmen Sie doch dieses Büro! (laut)
c) Nehmen Sie doch diesen Schirm! (klein)
d) Kaufen Sie doch diesen Fernseher! (teuer)

5. Was kommt in die Lücken?

5-1.

a) Ich möchte ein großes Haus .... Lande.

b) Wir wollen .... Land ziehen.
c) Das Geld liegt .... Fernseher.
d) Sehen Sie mal .... Speiseplan.
e) Sieh mal .... Uhr.
f) Stell das Buch .... Regal.

5-2 .

a) Im Urlaub fahren wir .... Frankreich.
b) Diese Ansichtskarte kommt .... Italien.
c) Ich komme .... Türkei.
d) Er arbeitet .... Bundesrepublik.
e) Seine Frau kommt .... Brasilien.
f) Wir möchten gern .... Schweiz fahren.
g) Wie viele Millionenstädte gibt es .... Japan?
h) Kabul liegt .... Afghanistan.

6. jemand - niemand

a) Kann mir mal .... helfen?
b) Heute hat leider .... Zeit.
c) Keine Antwort! Heute ist wieder .... im Büro.

7. Fragen und antworten Sie nach dem Beispiel.

Beispiel: Ich brauche ein neues Sommerkleid.
(Das hier ist zu warm.)
Warum brauchst du ein neues Sommerkleid?
Weil das hier zu warm ist.

a) Ich fahre morgen nach Türkei.
(Ich habe eine Verabredung.)
b) Wir ziehen in die Stadt.
(In unserem Dorf gibt es kein Museum und kein Kino.)
c) Herr Adib muß mit dem Bus nach Hause Fahren.
(Er hat seinen Autoschlüssel verloren.)
d) Wir müssen spätestens um 11 Uhr am Bahnhof sein.
(Unser Zug geht um 11 Uhr 10.)
e) Ich kann nicht telefonieren.
(Ich habe kein Kleingeld.)

Etwa 100 Millionen Menschen in der Welt sprechen Deutsch als Muttersprache.
Man spricht Deutsch:
in der Bundesrepublik Deutschland (BRD),
Einwohner: etwa 80 Mill.
in Österreich (AU),
Einwohner: 7, 5 Mill.
in der Schweiz (CH), dort spricht man auch Französisch und Italienisch,
Einwohner: 6,4 Mill.
Bonn ist die Hauptstadt der Bundesrepublik Deutschland. Berlin, Hamburg, München, Frankfurt und Köln liegen in Deutschland.
Deutschland ist ein Land. Die Schweiz ist auch ein Land.
Die Hauptstadt von Österreich ist Wien, von der Schweiz, Bern. Hamburg ist auch eine Stadt.

A. Bitte antworten Sie!

1. Wie viele Menschen in der Welt sprechen Deutsch?
2. Wo spricht man Deutsch?
3. Was ist die Hauptstadt von Österreich?
   der Schweiz?
   Deutschland?
4. Wie viele Einwohner hat Deutschland?
   die Schweiz?
   Und Iran?

B. Bitte ergänzen Sie!

1. Die Hauptstadt von Österreich ist ....
2. Etwa .... Millionen Menschen in der Welt sprechen Deutsch.
3. In der Schweiz spricht man auch .... und ....
4. Berlin, Köln, Frankfurt und München liegen in ....
5. Teheran liegt in ....
6. Wien liegt in ....
7. Die Schweiz ist ein ....
8. Deutschland hat .... Einwohner.





∆ Was für einen Schirm möchten Sie denn?
O Einen großen.
∆ Nehmen Sie diesen?
O Der ist zu groß.
∆ Und dieser hier?
O Der ist zu klein.
∆ Und dieser?
O Wie viel kostet der?
∆ Zwanzig Euro
O Der ist zu teuer. Danke, jetzt brauche ich keinen mehr.

Wiederholungsübung

Was Kommt in die Lücke, a, b, oder c? Kreuzen Sie an.

Der Umzug

Mein Tochter (1) **wohnt** in einem Haus, aber (2) .... Mann und ich wohnen in einer Dreizimmerwohnung. Der Ort ist auf dem (3) ...., zwanzig Kilometer (4) .... hier. Wir wohnen aber jetzt (5) .... mehr gern dort, das (6) .... ist zu groß. Wir möchten in die Stadt (7) ...., in eine kleine Wohnung. Aber es gibt nicht (8) .... kleine Wohnungen. Wir möchten eine Wohnung am Stadtpark, wo (9) .... nicht sehr laut ist.

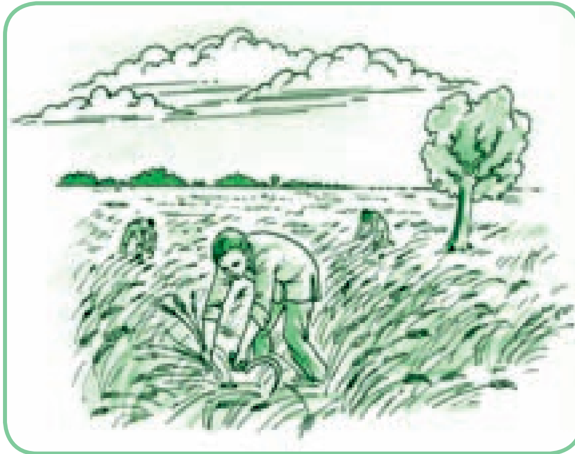
Wir (10) .... kein Restaurant und kein Kino; wir sind abends immer zu Hause.

Sonntags geht mein Mann (11) .... Fußball, und ich (12) .... die Zeitung. Abends (13) .... wir fern oder lesen Romane.

1. a) wohnt✓	b) hat	c) gibt
2. a) mein	b) meinem	c) meiner
3. a) Stadt	b) Lande	c) Wohnung
4. a) aus	b) in	c) von
5. a) nichts	b) kein	c) nicht
6. a) Stadt	b) Haus	c) Wohnung
7. a) sein	b) arbeiten	c) ziehen
8. a) eine	b) mehr	c) viele
9. a) es	b) sie	c) er
10. a) haben	b) brauchen	c) sind
11. a) im	b) in den	c) zum
12. a) schreibe	b) lese	c) zeichne
13. a) kaufen	b) treffen	c) sehen

3A

Im Gebirge



1. Bergsteigen

(Ahmad und Hamid)

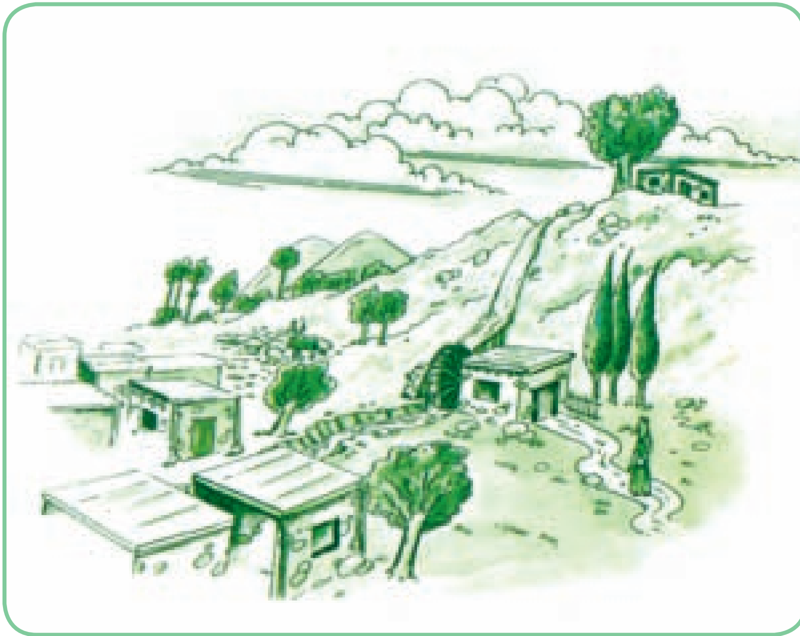
A: Was machst du in den Ferien, Hamid?
H: Das weiß ich noch nicht.
Vielleicht fahre ich im Sommer zu meinem Großvater. Er hat einen Bauernhof.
A: Ach so, dann willst du ihm bei der Ernte helfen.
H: Ja, aber er hat auch Kühe und Pferde. Ich darf dann reiten.
A: Ist das nicht gefährlich?
H: Ach was, im Gegenteil, es macht sogar sehr viel Spaß! Außerdem kann ich dort spielen, wandern und baden.
A: Baden? Bei deinem Großvater?
H: Ja, es gibt dort einen kleinen See. Viele Jungen gehen an den See und baden dort.
Und du? Was machst du in den Ferien?



A: Ich glaube, ich bleibe in den Ferien da. Ich muß lernen.
H: Du kannst ja bergsteigen.
A: Ja, das mache ich auch.
Weiß du, ein paar Kilometer von hier gibt es einen Ort mit einem Parkplatz.
H: Wollt ihr mit dem Auto bergsteigen?
A: Nein, das nicht, wir parken dort und fahren mit dem Lift weiter.
H: Ach so, jetzt weiß ich, was "Bergsteigen" heißt!

2. Mein Dorf

Ich wohne in einem Dorf im Gebirge.
Du erreichst es mit dem Bus. Mein Dorf ist nicht sehr groß, aber schön. Es hat etwa 1300 Einwohner. Eine Wassermühle liegt im Norden. Ein Bach fließt durch das Dorf und treibt das große Mühlrad an.
Im Frühling ist das Wetter sehr schön, und es gibt viele Blumen.
Im Sommer arbeiten die Bauern auf den Feldern, und die Bäuerinnen machen den Haushalt.



Das Vieh läuft über die Wiesen.
Im Herbst regnet es viel, im Winter haben wir viel Schnee. Alles ruht dann.
Unser Haus liegt hoch über dem Dorf am Berg.
Der Weg zum Haus ist schmal und steil. Hier fährt kein Auto.
Unser Wohnzimmer hat ein großes Fenster. Früh am Morgen scheint die Sonne durchs Fenster.
Im Sommer frühstücken wir im Garten vor dem Haus.
Neben dem Haus steht ein alter Baum. Wir sitzen oft unter ihm und diskutieren.
Nachmittags spielen wir mit den Dorfkindern oder gehen runter zum Müller und sehen ihm zu.
Manchmal helfen wir ihm.
Helfen ist überhaupt ein wichtiges Wort für die Dorfbewohner. Sie helfen einander bei ihrer Arbeit. Für mich ist das Dorffest sehr interessant. Wir Kinder sind dann bei unserem Onkel.
Er arbeitet in der Mühle gegenüber. weil er Müller ist.
Er bringt dann Mehl und wir helfen der Tante beim Brotbacken.
Wem hilfst du?

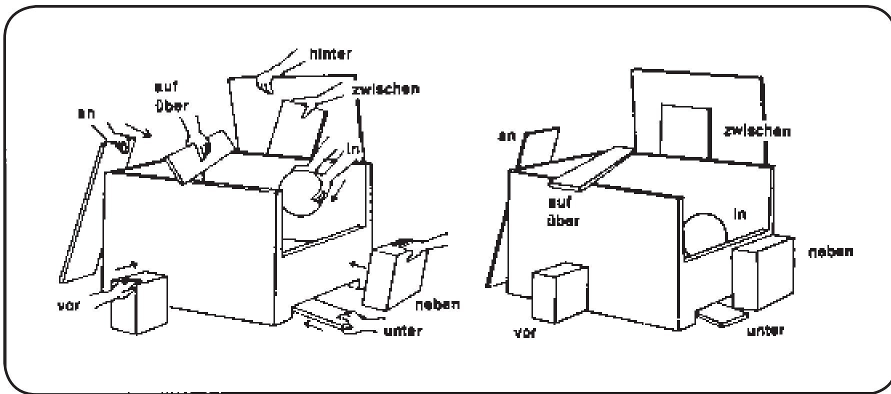
a) Präpositionen

(1) Präpositionen mit Dativ oder Akkusativ

	Singular			Pl.	Singular		Pl.
	wohin? (Akkusativ)				wo? (Dativ)		
an in auf	der	das (=ans) (=ins) (=aufs)	die		der/das (=am) (=im)	die	
hinter neben über unter vor	den einen	das ein	die eine	die	dem einem	der einer	den
zwischen							

wohin? Akkusativ	**wo? Dativ**
Er geht <u>an den</u> Kühlschrank.	Er steht <u>am</u> Kühlschrank.
Wohin stellen wir das Buch?	Wo hält der Bus?
<u>Hinter</u> / <u>Vor</u> / <u>Neben</u> } das Radio.	Gleich <u>hinter</u> / <u>vor</u> / <u>neben</u> } dem Museum.
Häng doch das Regal <u>über den</u> Tisch!	Das Regal hängt schon <u>über dem</u> Tisch!
Stell doch den Tisch <u>unter das</u> Regal!	Der Tisch steht schon <u>unter dem</u> Regal.

Wechsel zwischen Akkusativ und Dativ zeigen:



Der Akkusativ steht auf die Frage **wohin**? (Bewegung);
der Dativ steht auf die Frage **wo**? (Ruhe)

(2) Präpositionen nur mit dem Akkusativ / nur mit dem Dativ

	der	das	die		der/das	die
nur Akk.				nur Dativ		
durch		(durchs)		aus		
für	den	das (fürs)		mit	dem	der
ohne				nach		
				bei	=beim	
				von	=vom	
				zu	=zum	=zur

Fahren Sie durch den Ort, dann kommen Sie …
Ein Brief für Herrn Danesch.
Machen Sie Urlaub ohne die Kinder?

Er fährt durchs Dorf.
Aber:
Er fährt durch das Dorf, das Sie ja kennen.

Er geht ins Hotel.
Er geht in das Hotel am Bahnhof.

Gehen wir doch zum Buchladen.
Gehen wir doch zu dem Buchladen an der Ecke.

Fährst du mit dem Bus ins Stadion?
Nach dem / Vor dem Abendessen lesen wir die Zeitung.
Wir sind gerade beim Frühstück.
Er kommt vom Stadion.
Wie komme ich zum Stadion?

b) Dativ Plural

Nom. + Akk. Dativ	die Pferde mit den Pferden	die Blumen den Blumen	die Autos den Autos

Der Dativ Plural hat immer die Endung - n oder - en.
Ausnahme: Plurale auf - s.

c) Das Modalverb "dürfen"

Sie/sie/wir	ich/er/sie/es	du	ihr
dürfen	darf	darfst	dürft

dürfen

1. Hier darf man nicht parken. (Parken verboten)

2. Darf ich Sie etwas fragen?
Darf ich Ihnen helfen? (= Kann ich Ihnen helfen?)

d) Ordinalzahlen

der, das, die	erste	sechste	zwanzigste
	zweite	sieb(en)te	dreißigste
	dritte	achte	vierzigste
	vierte	neunte	
	fünfte	zehnte	hundertste

Zehlen 1-19: Endung-te
20 - : Endung-ste

e) Zeitangaben: wann?

Tag	Tageszeit	Monat, Jahreszeit	Jahr
(1.10.) am ersten Oktober	am Morgen	im Februar	1990
(2. 10.) am zweiten Oktober	am Mittag	im März	2000
(3.10.) am dritten Oktober	am Nachmittag	im Dezember	2012
(4.10.) am vierten zehnten	am Abend	im Frühling	
(20.10.) am zwanzigsten	in der Nacht	im Sommer	
(31.10.) am einunddreißigsten		im Winter	

(1) Jahreszeliten:



Spielt Minidialoge.

- Wann fährst du nach Kerman? Im Herbst?
- Nein, nicht im Herbst. Im Sommer.

● Wann fährst du ins Gebirge? Im Juni?
● Nein, nicht im Jui. Im August.

Was willst du im Sommer machen? Spielt Minidialoge.

● Was willst du im Sommer machen?
● Ich will wandern.
● Und wohin fährst du?
● Ins Gebirge, nach Tabris

(2) Die Monate. Was fehlt? Bitte ergänzen Sie.

Januar	Februar	________	April	Mai	________
Juli	________	September	________	November	________

Wie heißen die Jahreszeiten?

1. Dezember, Januar, Februar = der Winter
2. März, April, Mai = ____________________
3. Juni, Juli, August = ____________________
4. September, Oktober, November = ____________

wann? Das Datum.

1. 24. Juli: am vierundzwanzigsten Juli
2. 7. September: ____________________
3. 1. März: ____________________
4. 31.Januar: ____________________
5. 3. Mai: ____________________
6. 29. Februar: ____________________

Übungen

1.Antworten Sie

1-1. Beispiel: Kommen Sie mit dem Zug?

Ja, ich komme immer mit dem Zug!

a) Wagen

b) Bus

c) Taxi
d) Fahrrad
e) Motorrad
f) Schiff
g) Flugzeug
h) Bahn (!)
i) Kutsche (!)

1-2. Beispiel: Fährst du gern mit dem Bus?
Eigentlich fahre ich lieber mit der Bahn.
a) Taxi – Kutsche
b) Fahrrad – Motorrad
c) Wagen – Bus

1-3. Beispiel: Ich kenne die Wege nicht. Muß ich einen Stadtplan nehmen?
Wenn Sie die Wege nicht kennen, müssen Sie einen Stadtplan nehmen.
a) Ich habe kein Auto. Muß ich ein Taxi nehmen?
b) Ich will nach Schiras. Muß ich mit dem Bus fahren?
c) Ich möchte ins Dorf. Muß ich mit der Kutsche fahren?
d) Ich habe kein Geld. Muß ich zu Fuß gehen?
e) Ich komme mit dem Auto. Darf ich hier parken?

1-4. Beispiel: Wann kann man hier Schi fahren, im Winter oder im Sommer?
Hier Kann man nicht nur im Winter, sondern auch im Sommer Schi fahren.
a) Wann kann man hier baden, im Sommer oder im Herbst?
b) Wann kann man hier Urlaub machen, im Sommer oder im Winter?
c) Wo kann man hier wohnen, im Hotel oder in einer Pension?

1-5. Beispiel: Darf man hier baden?
Baden dürfen Sie hier auch.
(Nein, hier darf man nicht baden.)
(Ja, hier dürfen Sie baden.)

a) Darf man hier parken?
b) Darf man hier fotografieren?
c) Darf man hier essen?
d) Darf man hier bergsteigen?

1-6. Beispiel: Wann fahren Sie, im Februar?
Nein, ich fahre erst im März.

a) April (Mai)
b) Juni (Juli)
c) August (September)
d) Oktober (November)
e) Dezember (Januar)
f) Februar (März)

1-7. Beispiel: Wo steht denn Ihr Wagen?
Der steht auf dem Parkplatz.

a) Wo liegt denn das Deutschbuch? (Tisch)
b) Wo liegt denn hier Ihr Dorf? (Land)
c) Wo ist denn Hamid? (Sportplatz)
d) Wo liegt denn dein Heft? (Buch)

1-8. Beispiel: Wo stehen denn hier die Taxis?
Vor dem Museum stehen welche.

a) Wo sind denn hier die Telefonzellen? (Bahnhof)
b) Wo stehen denn hier die Kutschen? (Parkplatz)
c) Wo ist denn hier ein (!) Parkplatz? (Dorf)
d) Wo ist denn hier ein Taxi? (Hotel)
e) Wo ist denn hier ein Restaurant? (Bahnhof)
f) Wo gibt es denn hier Parkplätze? (Dorf)

2. Was kommt in die Lücke, *nicht* oder *kein?*

a) Herr Müller ist .... verheiratet.
b) Frau Huber hat .... Kinder.
c) Hier dürfen Sie .... rauchen.

d) Im Ort gibt es .... Autos.
e) Sie dürfen .... mit dem Auto in das Dorf fahren.

3. Schreiben Sie die Modalverben.
a) Hier .... Sie nicht parken.
b) Bitte, ... ich hier rauchen?
c) Hier .... nur Kutschen und Taxis fahren.
d) Ahmad, du .... nach dem Essen noch eine halbe Stunde fernsehen.
e) Das .... ihr nicht.
f) In diesem Museum .... man nicht fotografieren.
g) Bitte, ... ich mal telefonieren?

4. aber - außerdem - erst - nicht nur ...., sondern auch - oder - und
a) Machst du im Sommer Ferien?
Nein, ... im Winter.
b) Dort kann man bergsteigen, und .... kann man baden.
c) Die Lifte sind nicht billig, ... man kann ja zu Fuß gehen.
d) Hier kann man .... bergsteigen, ... Schi fahren.
e) Im Dorf sind Autos verboten, ... man kann mit der Kutsche fahren.
f) Parken Sie vor dem Dorf, ... fahren Sie mit dem Taxi weiter!
g) Fahren Sie mit der Bahn, ... gehen Sie zu Fuß?

5. Bitte, lesen Sie!
16. Juli: Heute ist der sechzehnte Juli.
Heute haben wir den sechzehnten Juli.
(Ich komme am 16.Juli.)
a) 20. März
b) 21. April
c) 22. Mai
d) 23. Juni
e) 24. Juli
f) 25. August
g) 26. September
h) 27. Oktober

i) 28. November
j) 29. Dezember
k) 30. Januar
l) 2. Februar



Die islamische Republik, Iran

1. Die Himmelsrichtungen (die Himmelsrichtung)

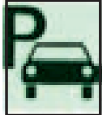
Norden (im Norden von, nördlich von)
Osten (im Osten von, östlich von)
Süden (im Süden von, südlich von)
Westen (im Westen von, westlich von)

Schiras liegt im Süden (südlich) von Esfahan.
Tabris liegt …

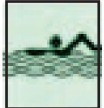
2. Darf man hier …?



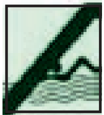
Darf man hier parken?
Nein, hier darf man nicht parken.

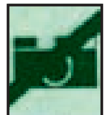


… parken?

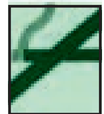


… baden?

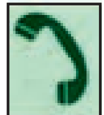




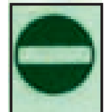
… fotografieren



… rauchen?



Kann man hier …?



Darf … geradeaus fahren?

Wie heißt die Stadt? *3D*

Zehn Fragen
(Ramin Danesch aus Schiras und ein Quizteam)

Erste Frage: Was machen Sie im Urlaub, Herr Danesch?
RD: Ich will eine große Stadt besuchen.
Zweite Frage: Kenne ich die Stadt?
RD: Ja.

Dritte Frage: Tabris?
RD: Nein. Sie liegt nicht im Norden von Schiras.
Vierte Frage: Im Westen?
RD: Ja.
Fünfte Frage: Fahren Sie mit dem Wagen?
RD: Nein.
Sechste Frage: Fliegen Sie?
RD: Nein.
Siebte Frage: Gehen Sie vielleicht zu Fuß?
RD: Nein.
Achte Frage: Fahren Sie mit dem Motorrad nach Abadan?
RD: Nein.
Neunte Frage: Liegt die Stadt im Ausland?
RD: Ja.
Zehnte Frage: Fahren Sie mit dem Schiff?
RD: Ja.
(Ramin Danesch fährt mit dem Schiff nach Kuweit.)

Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen.

Hallo, Andreas.	
Komm mal her!	Ja./Ja,gleich./Ja, was gibt's denn?
Hol mal bitte den Stadtplan!	
Sieh mal …!	
Wo ist denn der Stadtplan?	Hier./ Weiß ich nicht.
Wo liegt denn der Stadtpark?	

Darf man hier parken?	Ja, natürlich.!
	Nein, hier nicht.
	Nein, ich glaube nicht.
	Nein, hier darf man nicht parken.
	Nein, hier ist Parken verboten.
Kann man hier Schi fahren?	

Nehmen wir ein Taxi?	Warum denn? Das Museum ist doch nicht weit.
Gehen wir zu Fuß?	Warum nicht? Es regnet doch nicht.
Warum wohnen Sie lieber in der Stadt?	Na, warum wohl? Hier gibt es alles.

Welchen Tag haben wir heute?	(Heute ist) Montag.
Welches Datum haben wir heute?	(Wir haben) den dritten (3.) …
Den wievielten haben wir heute?	
Welchen Monat haben wir?	(Wir haben) Mai.
Welches Jahr haben wir?	(Wir haben) 19 …
Wann ist Weihnachten?	Im Dezember.
Wann ist Norus?	Im März.

Wiederholungsübung

Was Kommt in die Lücke,a,b oder c? Kreuzen Sie an.

Wie sieht mein Wohnort aus

Mein Dorf erreichen Sie sehr einfach (1) **mit der** Bahn oder mit dem Auto. Es liegt im Gebirge. Eine schöne Straße geht(2) …… unser Dorf. Die Bauern arbeiten (3) …… Sommer(4) …… Feldern. Früh(5) …… Morgen gehen sie aus dem Haus. Die Kinder spielen vor dem Haus oder sitzen(6) …… einem Baum und (7) …… . Auf(8) …… Bergen kann man im Urlaub wandern. Kommen Ferien, dann können wir zusammen mit der (9)…… fahren. Vielleicht gehen wir auch(10) …… See und baden dort. Ja, so schön ist es in unserem Dorf.

1. a) mit der✓	b) zur	c) beim
2. a) bei	b) nach	c) durch
3. a) in den	b) im	c) ins
4. a) im	b) auf den	c) ins
5. a) ans	b) im	c) am
6. a) im	b) mit	c) unter
7. a) sprechen	b) sprecht	c) spielt
8. a) den	b) die	c) das
9. a) Bus	b) Kutsche	c) Taxi
10. a) an den	b) an dem	c) an der

4A

Das Fußballspiel

1. Letzte Woche war unser Fußballspiel. Unsere Klasse hat gegen die Parallelklasse gespielt. Das war sehr aufregend.
   Eigentlich hat mein Klassenkamerad Ali das Spiel vorgeschlagen.
   Er ist nämlich unser Klassensprecher. Ich habe sofort zugesagt. Dann sind wir zu den anderen Freunden in der Klasse gegangen.
   Sie waren ebenfalls einverstanden.
   Wir haben eine Einladung geschrieben.

Liebe Kameraden,

am Donnerstag, den 10. November,
veranstalten wir das erste Fuß-
ballspiel mit der Klasse 1d.

Ort: Fußballplatz in der Alawi-Schule

Zeit: 15 Uhr

Bitte kommt alle!

P.S. Bitte kümmert Euch selbst
um Fahrgelegenheiten.

2. Dieses Bild zeigt unsere Mannschaft:



Δ “Das bin ich–der mit dem Kreuz–und das ist unser Lehrer, Herr Sina.”
O “ Wo ist denn dein Freund Ali?”
Δ “ Rate mal!”
O “Wie sieht er denn aus?”
Δ “Rate doch mal!”
O Da, links?
Δ “Falsch!”
O “In der Mitte, mit der schwarzen Hose?”
Δ “Richtig!”

Einladung und Absage

1. Einladung

Lieber Mohsen,
kommst Du am Freitagnachmittag um vier zu uns zum Tee? Hadi und Ahmad kommen auch. Ich möchte Euch die Fotos von meinen Ferien in Rascht zeigen.
Herzliche Grüße
Dein Hassan

2. Absage

Lieber Hassan,
vielen Dank für deine Einladung!
Ich kann leider nicht kommen, weil
ich im Krankenhaus liege. Ich habe
vorige Woche einen Unfall gehabt und
mir den linken Arm gebrochen. Es geht
mir aber gut. Nächste Woche komme
ich nach Hause. Vielleicht sehen wir
uns dann in vierzehn Tagen.
Herzlichst
Dein Mohsen

Jetzt schreibst du den zweiten Absagebrief!
Du kannst nicht kommen, weil du
a) krank bist.
b) am Freitag lernen mußt.
c) zum Fußballspiel willst.
d) ins Kino gehen willst.
e) mit deinen Eltern einen Ausflug machst.
f) am Dienstag für zwei Tage nach Maschhad fährst.

Grammatik — *4B*

a) Die Possessivpronomen

Singular

<table>
<tr><td colspan="2">Mask. Neutr.</td><td>Fem.</td><td>Mask.</td><td>Mask. Neutr.</td><td>Fem.</td></tr>
<tr><td colspan="2">Nom.</td><td rowspan="2">Nom.
Akk.</td><td rowspan="2">Akk.</td><td rowspan="2">Dativ</td><td rowspan="2">Dativ</td></tr>
<tr><td></td><td>Akk.</td></tr>
<tr><td colspan="2" rowspan="3">mein
dein
sein
ihr/Ihr
unser
eu(e)r</td><td>–e</td><td>–en</td><td rowspan="2">–em</td><td rowspan="3">–er</td></tr>
<tr><td>Nom.
Akk.</td><td>Dativ</td></tr>
<tr><td colspan="2">Plural (m,n,f)</td><td></td></tr>
</table>

Das ist	mein	Lehrer.	(S: Mask.Nom.)
Das ist		Buch.	(S:Neutr. Nom.)
Haben Sie		Buch?	(S:Neutr.Akk.)

Das ist	meine	Zeitung.	(S:Fem.Nom.)
Haben Sie		Zeitung?	(S:Fem.Akk.)
Das sind		Lehrer.	(Pl:Mask.Nom.)
Das sind		Bücher	(Pl:Neutr.Nom.)
Das sind		Zeitungen.	(Pl:Fem. Nom.)
Kennen Sie		Lehrer?	(Pl:Mask. Akk.)
Haben Sie		Bücher	(Pl:Neutr.Akk.)
Haben Sie		Zeitungen?	(Pl:Fem.Akk.)

Kennen Sie	meinen	Lehrer?	(S: Mask.Akk.)
Das bin ich mit		Lehrern.	(Pl: Mask. Dat.)
Was machen Sie mit		Büchern?	(Pl:Neutr. Dat.)
Was machen Sie mit		Zeitungen?	(Pl: Fem. Dat.)

Das bin ich mit	meinen	Lehrer.	(S: Mask. Dat.)
Das bin ich mit		Buch.	(S:Neutr. Dat.)

Das bin ich mit	meiner	Mutter.	(S: Fem. Dat.)

b) Das Präteritum: haben – sein

Sie/sie/wir	ich/er/sie/es	du	ihr
hatten waren	hatte war	hattest warst	hattet wart

c) Das Perfekt

(1)

Präsens von haben oder sein		Partizip II
Ich habe Er ist	den Brief spät nach Hause	geöffnet. gekommen.

(2) Wie bildet man das Partizip II

<u>Schwache Verben</u>	ge …(e)t
haben	Er hat gehabt.
machen	gemacht.
arbeiten	gearbeitet.
beten	gebetet.
<u>Starke Verben</u>	ge … en
schlafen	Er hat geschlafen.
schreiben	geschrieben.
sehen	gesehen.
gehen	Er ist gegangen.
kommen	gekommen.
<u>Trennbare Verben</u>	...ge ... t/en
an/rufen	Er hat angerufen.
auf/stehen	Er ist aufgestanden.
an/stellen	Er hat angestellt.
<u>Untrennbare Verben</u>	… t/en
besichtigen	Er hat besichtigt.
verlieren	verloren.
<u>Verben auf–ieren</u>	...t
telefonieren	Er hat telefoniert.
studieren	studiert.

d) jeder, jedes, jede: Siehe "der,das, die"

Lektion 5, Buch 1

Übungen

1. Wie viele wart ihr?- Zwanzig.
(Wir waren zwanzig.)

a) Wo war Hassan? – In der Alawi Schule.
b) Wann warst du zu Hause? – Um acht Uhr.
c) Wo wart ihr denn die ganze Zeit? – Zu Hause.
d) Wo wart ihr im Urlaub? – In Maschhad.
e) Wo warst du am Donnerstag? – Bei Freunden in Teheran-Pars.
f) Wer von euch war schon einmal in Abadan? – Ich
g) Wie lange war Karim an der Front? – Sechs Monate.

2. Ergänzen Sie:
2-1. hatte - hattën

a) Hassan hat ein Motorrad. – Sein Vater ……… nicht mal ein Fahrrad.
b) Mein Bruder hat in Mathematik eine Fünf. – Ich …… immer eine Eins.
c) Ihr habt drei Monate Ferien. – Wir ……… nur einen Monat.
d) Farhad hat jede Woche ein Fußballspiel. – Wir ……… noch nie eins.
e) Wir haben eine große Schule. – Meine Eltern ……… nur eine kleine.

2-2. habe – hatte – ist – war – hat – hattest – warst – hast

a) Was ……. Klaus jetzt in Kunst? b) Ich ……… damals immer eine Eins. c) Glaube ich nicht! Du ……… auch schon einmal eine Fünf. d) Wo ……… du so lange? e) Ich …… im Stadion. f) Ich …… früher nie im Stadion. g) Ich …… immer gelernt. h) Warum ……… du das gemacht? i) Wer ……… das gesagt? j) Wo ……… denn jetzt das Klassenfoto?

3. Üben Sie nach dem Beispiel.
3-1. Beispiel : Was hattest du in Mathematik? – (Was hatten Sie in Mathematik?)

In Mathematik war ich immer gut. – (In Mathematik hatte ich eine Eins.)
In Mathematik war ich immer schlecht. – (Da hatte ich immer eine Sechs.)

a) Arabisch (2) b) Sachkunde (5) c) Englisch (4) d) Geschichte (1)
e) Deutsch (6) f) Sport (1) g) Chemie (2) h) Physik (4)

3-2. Beispiel: Warum warst du nicht bei dem Fußballspiel? (arbeiten)
Ich habe gearbeitet.

a) Was hast du nach dem Essen gemacht? (einen Brief schreiben)
b) Was haben Sie nach der Schulzeit gemacht? (studieren)
c) Wohnt ihr noch in Esfahan? (vor zwei Jahren–nach Schiras umziehen)
d) Du warst heute morgen nicht zu Hause?
(sieben Uhr – zum Bahnhof gehen)
e) Treffen Sie Ihre Klassenkameraden noch?
(vor drei Jahren – Klassentreffen machen)

3-3. Beispiel: Da ist Thomas. –Ja, und ist das sein Vater?
Ich weiß nicht. Ich kenne seinen Vater nicht.
(Vielleicht. Ich habe seinen Vater noch nie gesehen.)

a) Hans (Lehrer) b) Hossein(Klassenkamerad) (!)
c) Farideh (Mutter) d) Hessam (Motorrad)

3-4. Beispiel: Wer ist denn das? Sie und Ihr Lehrer?
Richtig, das bin ich mit meinem Lehrer.

a) Klassenkamerad (!) b) Sohn c) Vater
d) Schwester e) Sportlehrer

3-5. Beispiel: Da ist Claudia. – Ja, und ist das ihr Vater?
Ich glaube ja. Aber ich kenne ihren Vater nicht.
(Richtig! Ich habe ihren Vater schon begrüßt.)

a)Gisela (Lehrerin) b) Monika (Bruder)
c) Fatemeh (Mutter)

3-6. Beispiel: Ist das Claudia mit ihrem Vater?
– Natürlich, die kommt immer mit ihrem Vater!

a) Gisela(Sohn) b) Monika (Lehrerin)
c) Fatemeh (Bruder) d) sara (Tochter)

3-7. Beispiel: Hier, das ist Claudia mit ihrer Schwester, und das ist
Hassan mit seiner Schwester.

a) Gisela – Dieter (Mutter) b) Monika – Fatemeh (Klasse)
c) Mina und Hassan (Familie)

3-8. Beispiel: Wovon hat Ahmad erzählt? – Von seinem Fahrrad natürlich.

a) Hans (Lehrer)
b) Frau Mohammadi (Tochter)
c) Herr Alawi (Sohn)
d) Maria (Bruder)
e) Frau Tehrani (Urlaub)
f) Dieter (Eltern)
g) Karim (Unterricht)
h) Hassan (Klassentreffen)
i) Ali (Fußballspiel)
j) Fariba (Universität)
k) Thomas (Schule)
l) Sara (Pferd)

4. Ergänzen Sie bitte:sein – seine – seinen – seinem – seiner

a) Er hat uns Fotos von .... Ferien gezeigt.
b) Er hat .... Kindern das Buch gegeben.
c) Kennen Sie .... Schwester?
d) Herr Farid hat .... Sohn ein Fahrrad gekauft.
e) .... Deutschlehrerin war drei Wochen krank.
f) Nach .... Prüfung ist er nach Hause gegangen.
g) Das ist die Mutter von .... Frau.
h) .... Bruder ist Kaufmann.

4C

Fragt euren Lehrer:

a) Sind Sie gern zur Schule gegangen?
b) Wie viele Schüler waren in Ihrer Klasse? (In meiner …)
c) Wie viele Stunden Sport hatten Sie in der Woche?
d) Wie sind Sie zur Schule gefahren, mit der Bahn, mit dem Bus, mit dem Fahrrad, oder sind Sie zu Fuß gegangen?
e) Wie lange hat das gedauert?
f) Wann sind Sie morgens aufgestanden?
g) Wann stehen Sie jetzt auf?
h) Wissen Sie, wo Ihre Klassenkameraden wohnen?
i) Haben Sie schon einmal ein Klassentreffen veranstaltet?
j) Wie viele Schüler sind zu diesem Treffen gekommen?
k) Spielen Sie ein Instrument?
l) Haben Sie ein Hobby?
m)Möchten Sie noch einmal zur Schule gehen?

A: Guten Morgen! Wie geht's?

B: Danke! Schlecht.

A: Ach, sind Sie krank?

B: Nein, ich bin müde. Ich habe schlecht geschlafen und habe zuviel Arbeit. Gestern habe ich bis zwölf Uhr nachts gelesen, und heute morgen bin ich um sechs aufgestanden.

A: Müssen Sie denn so früh aufstehen?

B: Ja, mein Zug geht nämlich um sieben.

A: Können Sie nicht umziehen?

B: Das will ich ja. ich suche seit drei Jahren eine neue Wohnung, aber ich habe noch keine gefunden.
Wir hatten ja eine in der Stadt, aber die war zu klein.
Mein Sohn ist jetzt sechzehn, der braucht ein großes Zimmer.

A: Ich gehe jetzt einen Kaffee trinken. Kommen Sie mit?

B: Ja, warum nicht?



Wiederholungsübung

Präteritum oder Perfekt

Frau Scharifi erzählt: Ich .... gern zur Schule .... (gehen).
Wir .... (sein) zwanzig in unserer Klasse. Unsere Lehrerin .... (sein) sehr gut. Wir .... immer viel .... (arbeiten).
Im Sommer .... wir an die See .... (fahren). Dort .... ich viel .... (sehen). Mein Bruder .... (sein) krank und .... nicht .... (kommen). Nach der Schule .... ich in die Universität .... (gehen) .
Ich .... in Deutsch immer eine Eins. Jetzt suche ich eine Arbeit, aber ich .... noch keine .... (finden).

5A

Eine tolle Firma



(Drei Telefongespräche)

1. Der Chef ist nicht da

A: Guten Tag, hier Schmitz. Können Sie mich bitte mit Herrn Großmann verbinden?
B: Der ist außer Haus.
A: Dann sagen Sie ihm bitte, wenn er wiederkommt …
B: Ich sehe ihn heute nicht mehr, er kommt erst spät zurück …
A: Dann verbinden Sie mich mit seiner Sekretärin!
B: Das bin ich.
A: Also, dann sagen Sie ihm bitte morgen…

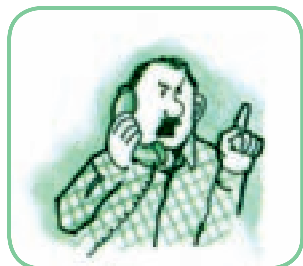
B: Morgen sehe ich ihn auch nicht, morgen ist Samstag.
A: Bitte, Fräulein, dann legen Sie ihm einen Zettel hin, er möchte mich anrufen. Geht das wenigstens?
B: Kann ich machen. Wie war Ihr Name?

2. Die Sekretärin ist zu Tisch



A: Hier Schmitz. Ich habe vorige Woche schon einmal angerufen.
Bitte Herrn Großmann.
C: Der ist verreist.
A: Dann verbinden Sie mich mit seiner Sekretärin!
C: Die ist zu Tisch.
A: Dann sagen Sie ihr, wenn sie wiederkommt…
C: Ich sehe sie nicht mehr, ich habe gleich Feierabend.
A: Dann legen Sie ihr einen Zettel hin, sie möchte Herrn Großmann sagen, er soll mich anrufen.
C: Gut, Herr Schulz, mache ich.
A: Schmitz! Nicht Schulz!

3. Der Chef ist selbst am Apparat



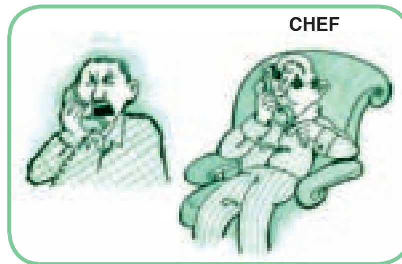
A: Schmitz. Bitte Herrn Großmann!
D: Wen möchten Sie sprechen?
A: Herrn Großmann!
D: Am Apparat.
A: Herr Großmann, hier ist Schmitz, Schmitz aus Köln. Ich habe vorige Woche schon einmal angerufen und Ihrer Sekretärin gesagt…
D: So? Mit wem haben Sie denn gesprochen, mit der Jungen?
A: Herr Großmann, ich habe die Dame nicht gesehen, ich habe mit ihr telefoniert, verstehen Sie?
D: Ja ja, verstehe. Wann war das?
A: Am Freitagnachmittag.

D: Am Freitag, so so, dann war das Fräulein Weiß, die ist nicht mehr bei uns, aber vielleicht war es Fräulein Braun, die immer lacht; die ist jetzt in Urlaub, da müssen Sie noch mal anrufen, die hat nämlich geheiratet…

A: Herr Großmann, ich will ja nicht mit Ihrer Sekretärin sprechen! Ich habe ihr gesagt, sie soll Ihnen einen Zettel hinlegen und Sie sollen mich anrufen.

D: Ach so, Sie sind das? Ja, hier steht, “Ein Herr aus Köln hat angerufen”.
Wie war Ihr Name?

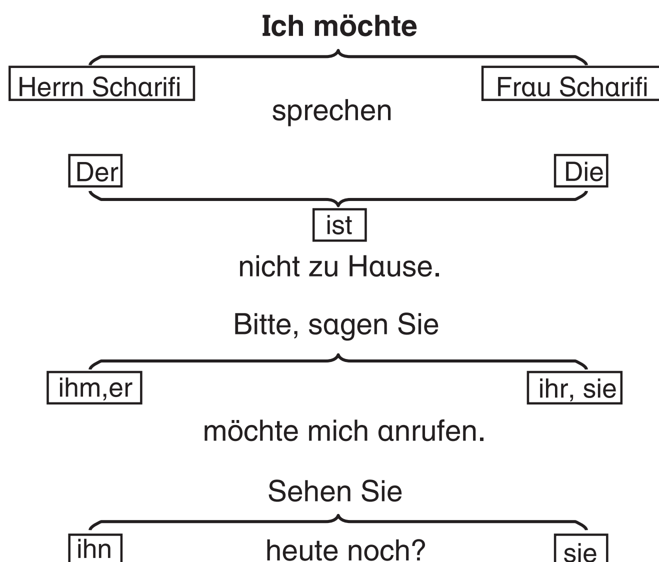
A: Wissen Sie was, Herr Großmann? Das ist jetzt ganz egal. Mit Ihrer Firma kann man nicht arbeiten!
Auf Wiederhören!



Strukturen:

Wen möchten Sie sprechen?

1.



2. **Wir möchten**

Herrn Scharifi | und | seine Frau

sprechen.

Die sind

nicht zu Hause.

Dann Sagen Sie

ihnen

uns anrufen.

3. Dann sagen Sie (ihm-ihr-ihnen), Bescheid, daß ich noch mal anrufe.

Ich habe morgen keine Zeit.

Ich komme nächste Woche.

4. Dann geben Sie (ihm - ihr - ihnen) meine Adresse!

meine Telefonnummer!

diesen Schlüssel!

diesen Brief!

5. Ist Herr Meyer da?- Dann verbinden Sie mich bitte mit … .

6. Ist Fräulein Schulz da?- Dann verbinden Sie mich bitte mit … .

Grammatik 5B

a) Die Interrogativpronomen

	Personen	Sachen
Nom.	Wer kommt heute?	Was ist denn das?
Akk.	Wen möchtest du besuchen?	Was hat er geschrieben?
Dat.	Mit wem haben Sie gesprochen?	______

b) Die Personalpronomen

wer? Nom.	ich	du	er	es	sie	wir	sie/Sie	ihr
wen? Akk.	mich	dich	ihn	es	sie	uns	sie/Sie	euch
wem? Dat.	mir	dir	ihm	ihm	ihr		ihnen/Ihnen	

Du warst heute nicht zu Hause. Woher weißt du das?
Ich habe bei dir angerufen.
Ich muß dich sprechen.

Ihr/ihr: Personalpronomen oder Possessivpronomen?

Kommt ihr (Monika und Thomas) zum Klassentreffen?
Er gibt ihr (seiner Frau) den Brief.
} Personalpronomen

Das ist Claudia mit ihrem Lehrer.
Das ist Claudia mit ihren Lehrern.
} Possessivpronomen

Wissen Sie, Wo Ihre Klassenkameraden wohnen?

c) Noch einmal die Modalverben: sollen-müssen

1. Sie sprechen mit Ihrem Freund. Er sagt:

Bitte sag ihm, er soll das Buch bringen.

2. Sie fragen Ihre Mutter:

Soll ich jetzt Brot kaufen? (- Ja, kauf es jetzt, bitte!)

3. Sie wissen selbst, daß Sie (Brot) kaufen müssen.
   Sie sagen:

Ich muß jetzt Brot kaufen.

d) Trennbare oder nicht trennbare Vorsilbe

Diese Vorsilben sind immer trennbar:

an (er ruft an)	mit (sie kommt mit)
auf (er steht auf)	nach (sie sieht nach)
ein (sie kauft ein)	vor (sie schlägt vor)
her (er kommt her)	weiter (sie fährt weiter)
hin (er geht hin)	wieder (sie kommt wieder)

Diese Vorsilben sind immer untrennbar:

be - (sie besichtigt)	ge - (er gewinnt)
er - (sie erzählt)	ver - (er vergißt)

e) wenn

Er	sieht	heute Resa.	
Er	kommt	in die Schule.	
Er	geht	morgen	hin.

Wenn er heute Resa	sieht,	
Wenn er in die Schule	kommt,	dann sag ihm bitte …
Wenn er morgen	hingeht,	

f) doch

Warst du gestern im Stadion?	- Ja, gestern nachmittag!
Warst du gestern zu Hause?	**- Nein, ich war im Stadion.**
War das Spiel nicht gut?	- Doch, sehr gut sogar!
Du warst gestern nicht zu Hause.	**- Doch, aber erst um sechs.**
Du warst mit einem alten Mann im Stadion. Das war dein Vater? Erzähl mir doch nichts!	**- Das war doch mein Vater.**

Übungen

1. Ergänzen Sie:

wer - wem - wen - was

a) … hat diesen Zettel geschrieben? b) Mit … wollen Sie sprechen? c) für … ist dieser Brief? d) … kann man im Gebirge machen? e) … möchte noch Suppe? f) Von … ist dieses Buch? g) Mit … warst du im Stadion? h) … suchen Sie eine Dreizimmerwohnung?

2. Üben Sie nach dem Beispiel.

2-1. Beispiel: Herrn Meyer sehe ich erst übermorgen.
Gut, dann rufe ich ihn übermorgen an. Aber sagen Sie ihm das, bitte!

a) Herr Brandt - morgen b) Herr Kamali - in zwei Wochen c) Herr Müller-am Sonntag d) Herr Neumann - am Dienstag e) Herr Schulz - nach dem Urlaub f) Herr Schwarz - heute abend g) Herr Scharifi - in zwei Stunden

2-2. Beispiel: Parwin ist nicht da, ich sehe sie erst morgen.
Dann sag ihr morgen, sie soll mich anrufen.

a) Sara - nächste Woche b) Fahimeh - heute abend c) Mitra - am Dienstag d) Farsaneh - morgen früh e) Mina - in drei Tagen f) Maria - am nächsten Samstag g) Fatemeh - morgen

2-3. Beispiel: Siehst du Hassan noch?
Heute sehe ich ihn nicht mehr, aber ich lege ihm einen Zettel hin.

a) Dieter b) Herr Neumann c) Fräulein Alawi d) Frau Danesch

2-4. Beispiel: Wenn Herr Meyer wiederkommt, rufen Sie mich an, bitte!
Der kommt heute nicht mehr wieder. Müssen Sie ihn denn heute sprechen?

a) Resa b) Frau Brandt c) Fahimeh d) Herr Müller e) Fräulein Neumann f) Herr Scharifi

2-5. Beispiel: Frau Schmidt ist nicht da?
Ich weiß nicht. Eben habe ich sie noch gesehen.

a) Herr Müller b) Herr und Frau Brandt c) Karl d) Maria e) Ali f) Frau Danesch g) Mitra

3. Was passt in die Lücke?

3-1. sie oder ihr?

a) Gisela liegt im Krankenhaus. Wir müssen .... schreiben.
b) Die Chefin hat gesagt, du sollst .... die Post bringen.
c) Monika ist zu Hause. Ich habe gerade mit .... telefoniert.
d) Frau Meyer hat gesagt, Sie sollen .... anrufen.
e) Wir haben eine neue Sekretärin. Kennst du .... schon?
f) Fräulein Schmidt hat viel Arbeit. Können Sie .... helfen?

3-2. ihn oder ihm?

a) Ist Andreas da? Ich möchte .... sprechen.
b) Wenn Herr Brandt wiederkommt, geben Sie .... diesen Zettel.
c) Herr Schulz ist nicht im Büro. Ich sehe .... heute nicht mehr.
d) Ist Herr Scharifi da? Können Sie mich mit .... verbinden?
e) Gehen Sie zu Herrn Schwarz! Sie sollen .... helfen.
f) Herr Asadi hat gesagt, Sie sollen .... anrufen.

4. Sagen Sie es anders.

4-1. Beispiel: Monika hat sehr viel Arbeit. - Soll ich ihr helfen?
(Dann helfe ich ihr.)
(Dann müssen wir ihr helfen.)

a) Dieter will in die Stadt. (mitnehmen) b) Claudia will zum Hauptbahnhof. (mitnehmen) c) Der Taxifahrer kennt die Straße. (fragen) d) Hassan und

Ali sind jetzt zu Hause.(anrufen) e) Gisela ist nicht im Büro. (einen Zettel hinlegen) f) Frau Danesch liegt im Krankenhaus. (schreiben)

4-2. Beispiel: Ich bin morgen zu Hause. - Sie können mich anrufen.

a) Er ist morgen im Büro. b) Wir sind morgen in der Firma. c) Sie ist morgen im Geschäft. d) Thomas und Ursula sind morgen im Hotel.

4-3. Beispiel: Du, Klaus, kannst du mir helfen? - Natürlich, ich helfe dir gern.

a) Herr Schulz, können Sie mir helfen? b) Frau Brandt, könnnen Sie uns helfen? c) Kinder, könnt ihr uns helfen? d) Ahmad, kannst du ihm helfen? e) Mina kannst du ihnen helfen?

5. Ergänzen sie:

5-1. dich - mich - ihn - sie - Sie- uns - euch

a) Ich habe Sie erwartet. Warum haben Sie .... nicht angerufen?

b) Fräulein Groß ist nicht da, und ich sehe .... heute auch nicht mehr.

c) Auf Wiedersehen, Herr Bauer! Ich sehe .... dann morgen im Büro.

d) Ich weiß nicht, wo Klaus und Farid sind. Wir haben .... lange nicht gesehen.

e) Das wissen wir. Das habt ihr .... schon erzählt.

f) Wissen Sie, wo er ist? Ich muß .... heute noch sprechen!

g) Ich habe ....gestern vor der Moschee erwartet. Wo warst du denn?

h) Fahrt ihr mit dem Bus, oder sollen wir .... mitnehmen?

i) Frau Tehrani, wann kann ich .... morgen sprechen?

5-2. mir - dir - ihm - ihr - uns - ihnen - Ihnen - euch

a) Herr Mohammadi war nicht da. Ich habe .... einen Zettel hingelegt.

b) Ursula liegt im Krankenhaus. Schreiben wir .... eine Karte?

c) Ich kenne die Straße nicht. Können Sie .... die auf dem Plan zeigen?

d) Wo waren Sie im Urlaub? - Habe ich .... das nicht erzählt?

e) Was hast du nach der Schule gemacht? - Habe ich .... das nicht erzählt?

f) Wir haben dich um acht erwartet. - Ich habe .... aber gesagt, ich komme um neun.

g) Da drüben kommt unser Lehrer. Ihr könnt mit .... sprechen.

h) Haben Meyers unsere Adresse? - Nein, die mußt du .... geben.

i) Hat sie euch das Buch gegeben?- Nein, sie hat es.......... noch nicht gegeben.

6. Schreiben Sie die richtigen Formen von *sollen* und *müssen*.

a) Herr Danesch, wann .... ich denn Herrn Neumann anrufen?

b) Wir .... für heute abend noch Brot kaufen.

c) Ich .... jetzt zum Bahnhof gehen, mein Zug fährt gleich.

d) Du .... nicht so spät nach Hause kommen!

e) Mutti, was .... ich denn einkaufen?

f) Sagen Sie mir, was ich tun ....!

7. Was kommt in die Lücke, *Ja, Nein, Doch*?

a) Haben Sie kein Geld mehr? - ....,ich habe genug Geld.

b) Sind Sie heute pünktlich ins Büro gekommen?

- ...., ich bin pünktlich gekommen.

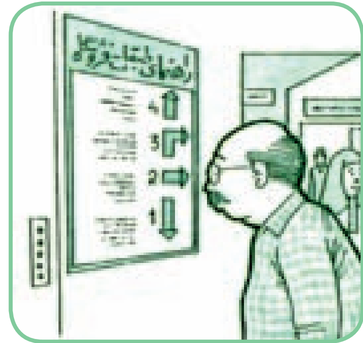
c) Kommt dein Freud mit ins Kino? - ...., er muß heute abend zu Hause bleiben.

d) Gefällt dir dieser Wagen nicht? - ...., er gefällt mir sehr gut.

e) Kannst du mir das Geld nicht geben? - ...., das kann ich.

f) Wollten Sie sich nicht einen neuen Mantel kaufen? - ...., aber leider gab es keinen.

1. Kann ich Ihnen helfen?



A: Kann ich Ihnen helfen?
B: Ja, bitte. Können Sie mir sagen, wo Schuhe gibt?
A: Im dritten Stock ist die Schuhabteilung.

2. Können Sie mir helfen?



A: Bitte, können Sie mir helfen?
B: Gerne.
A: Ich habe meine Brille vergessen. Können Sie diesen Fahrplan lesen? Wann geht ein Bus zum Asadi-Platz?
B: Den kann ich auch nicht lesen, aber ich kann Ihnen sagen, wann der Bus geht: Um Viertel nach 7, Linie 14.

Der einzige Arbeiter 5D

Fritz macht eine Lehre als Kaufmann in einer Exportfirma.

“Na, wie geht es dir denn in deiner neuen Firma?” fragt sein Freund. “Wie viele Angestellte habt ihr eigentlich?”

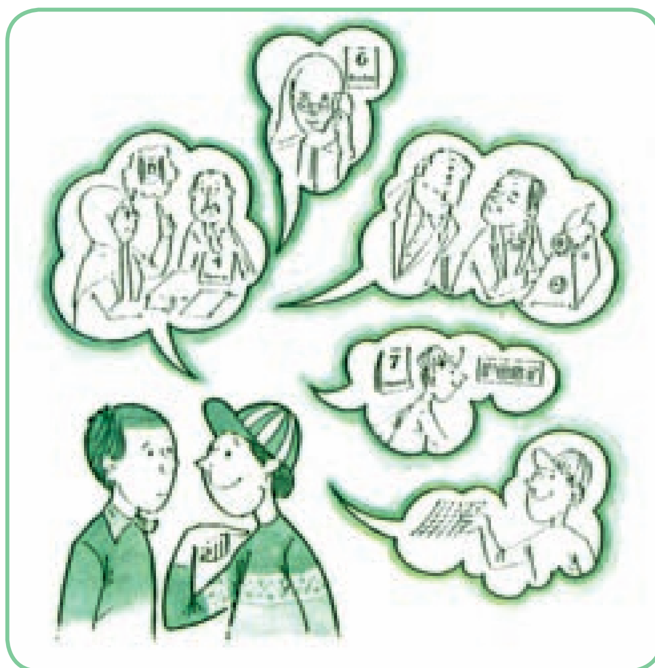
“Angestellte”, sagt Fritz, “zweihundert, glaube ich. Aber nur einen, der arbeitet.”

“Was? Einen? Unglaublich! Erzähl mir!”

“Doch”, sagt Fritz, “bei uns geht das so: Am Sonntagabend sagt die Chefin zu ihrem Mann, er soll Briefmarken mitbringen. Und der Chef vergißt es natürlich. Am Dienstagmorgen ruft sie ihn an, er soll die Briefmarken nicht vergessen.

Am Dienstagnachmittag sagt der Chef zu seinem Sekretär, er soll Briefmarken kaufen. Und der vergißt es.

Am Mittwochmorgen ruft die Chefin mich an, ich soll ihr die Briefmarken bringen. Und ich gehe zur Post, kaufe die Briefmarken und bringe sie ihr. Siehst du, bei uns gibt es nur einen, der arbeitet.”



Im Gespräch

Wiederholen Sie die Wörter und Wendungen!

Wie geht's?	Danke, gut / prima.
Na,wie geht's?	Danke, es geht.
Wie geht es Ihnen?	Nicht so gut.
	Gar nicht so gut.
	Und Ihnen?
Na, wie geht's in der neuen Schule?	
Wie geht es Ihnen in der neuen Schule?	

Ich gehe einen Kaffee trinken.	
Kommen Sie mit?	Ja, gern./ Ja, natürlich.
Kommen Sie doch mit!	Ja, warum nicht.
(Komm doch mit!)	Ich weiß nicht, ich habe nicht viel Zeit.
	Nein danke, ich trinke jetzt keinen Kaffee.
Können Sie morgen zu uns zum Abendessen kommen?	Vielen Dank für die Einladung, aber…
Kommen Sie morgen zu uns zum Abendessen?	Ja, gern.
Also dann bis morgen.	

Wiederholungsübung

Fritz hat es auch vergessen!

Am Montagabend sagt der Chef zu seiner Frau, sie soll Briefmarken kaufen. Und sie hat es total vergessen. Am Mittwoch ruft die Chefin ihren Mann an und sagt: Kannst du keine Briefmarken aus deinem Büro mitbringen? Und er vergißt es. Am Donnerstag sagt der Chef zu Fritz: Geh mal zur Post, kauf zwanzig Briefmarken und bring sie meiner Frau! Fritz kauft die Marken und ruft die Chefin an: Soll ich Ihnen die Marken jetzt bringen? Nein, sagt die Chefin, sag meinem Mann, ich brauche keine mehr. Herr Groß, sagt Fritz, meine Frau braucht die Marken nicht mehr. - Dann gib sie mir, sagt Herr Groß, ich brauche immer welche. Wo sind sie denn? Oh, sagt Fritz, die sind in der Post, die habe ich da vergessen. Ich habe Ihren Frau nämlich von der Telefonzelle angerufen.

Richtig oder falsch?

1. Fritz hat die Chefin von der Telefonzelle angerufon.
   richtig ☐ falsch ☐

2. Am Montag ruft der Chef seine Frau an.
   richtig ☐ falsch ☐

3. Fritz sollte zur Post gehen und der Chefin Briefmarken kaufen.
   richtig ☐ falsch ☐

4. Der Chef braucht immer Briefmarken.
   richtig ☐ falsch ☐

5. Fritz hat die Briefmarken im Büro vergessen.
   richtig ☐ falsch ☐

6A

Vier Lebensläufe

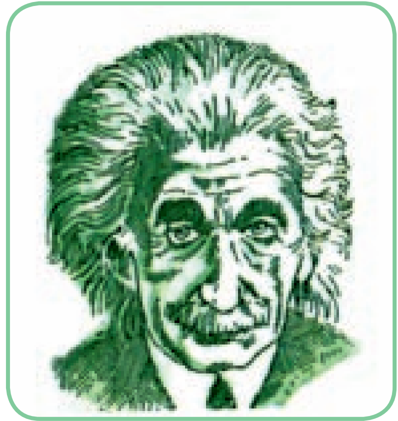
Genies in der Schule



1. Franz Schubert, Komponist (1797 - 1828)

Schuberts Vater war Lehrer. Er erkannte die musikalische Begabung seines Sohnes und gab ihm selbst Geigenunterricht, aber Franz sollte den Beruf seines Vaters ergreifen und mußte deshalb ein Lehrerseminar besuchen. Das Studium interessierte ihn aber nicht, und die Schule langweilte ihn auch. Was die Schüler im Unterricht machten, war ihm egal. Schließlich verschaffte Vater Schubert seinem Sohn einen einjährigen Urlaub. Franz kehrte nie in den Schuldienst zurück. In seinem kurzen Leben komponierte Schubert acht Sinfonien, fünfzehn Streichquartette, zweiundzwanzig Sonaten, Opern und unzählige Lieder.

2. Albert Einstein, Physiker (1879 - 1955)



Albert Einstein verließ das Gymnasium in München ohne Abschlußprüfung. Fremdsprachen und Geschichte interessierten ihn nicht, aber von seinem Mathematiklehrer bekam er ein gutes Zeugnis. Auf Wunsch seines Vaters ging er mit sechzehn Jahren nach Zürich. Er wollte dort am Polytechnikum studieren, mußte eine Aufnahmeprüfung machen und fiel durch.

Einstein ging noch einmal zur Schule, machte das Abitur und durfte schließlich studieren. Mit vierunddreißig Jahren wurde er Professor - am Polytechnikum in Zürich. Mit zweiundvierzig Jahren bekam er den Nobelpreis für Physik.

3. Hermann Hesse, Dichter (1877 - 1962)

Hermann Hesse, der Sohn eines Missionars, fand schon die Grundschule langweilig. “In den acht Jahren … fand ich nur einen einzigen Lehrer, den ich liebte und dem ich dankbar sein kann...”, schrieb er später.

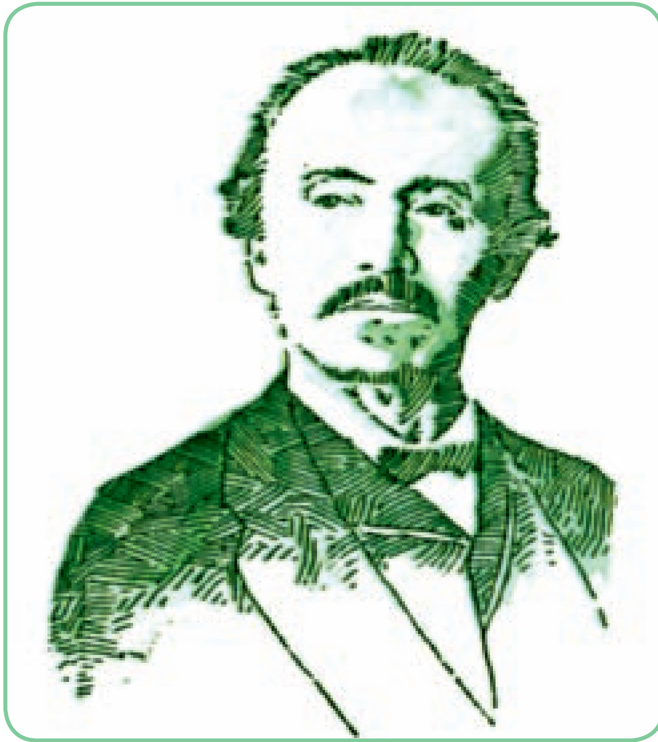


Hermann Hesse sollte Theologie studieren und kam deshalb auf ein theologisches Seminar. Latein und Griechisch interessierten ihn und doch lief er nach einem halben Jahr davon.

Er versuchte verschiedene Schulen, machte eine Mechanikerlehre und wurde schließlich Buchhändler. Von seinem achtzehnten Lebensjahr an stand seine Arbeit als Dichter im Mittelpunkt.

Zehn Jahre nach seinem Tode waren seine Romane weltberühmt.

4. Heinrich Schliemann, Archäologe (1822 - 1890)



Heinrich Schliemann, der Entdecker Trojas, verließ mit vierzehn Jahren die Schule, weil er Geld verdienen mußte. Er kam zu einem Kaufmann in die Lehre und arbeitete später drei Jahre in Amsterdam. In dieser Zeit lernte er sechs Sprachen fließend sprechen und schreiben: Niederländisch, Englisch, Französisch, Spanisch Italienisch und Portugiesisch. Dann lernte er auch noch Russisch, ging nach St. Petersburg und gründete ein eignenes Geschäft. Mit sechsundzwanzig Jahren ging er nach Amerika und lernte weitere Sprachen. 1863 verließ er das Geschäftsleben. Ihn interessierte nur noch das Studium griechischer Geschichte.

Als sechzehnte Sprache lernte Schliemann Griechisch, zog nach Athen und begann als Achtundvierzigjähriger mit den Ausgrabungen in Hissarlik. Nach kurzer Zeit fand er tatsächlich Troja, die Stadt, die er aus Homers "Ilias" kannte.

Übungen

1. Interessieren Sie sich (Interessiert du dich) für Sport?
   Ja, Sport interessiert mich.
   Nein, Sport interessiert mich nicht.

2. Interessieren Sie sich für Fremdsprachen?
   Ja, Fremdsprachen interessieren mich.
   Nein, Fremdsprachen interessieren mich nicht.

3. Langweilt Sie (Langweilt dich) Mathematik?
   Ja, Mathematik langweilt mich.
   Nein, Mathematik langweilt mich nicht.

4. Langweilen Sie Romane?
   Ja, Romane langweilen mich.
   Nein, Romane langweilen mich nicht.

5. Findest du Fernsehen interessant oder langweilig?
   Ich finde Fernsehen sehr interessant (sehr langweilig).

6. Was interessieret Sie?
   Denken Sie an Ihre Schulfächer. Was finden Sie interessant, was finden Sie langweilig?

7. Hat Einstein in der Schule gute Zeugnisse gehabt?

8. Wie viele Prüfungen mußte er machen?

9. Mußte Schubert das lernen, was sein Vater wollte, oder durfte er lernen, was er selbst wollte?

10. Müssen Sie den Beruf Ihres Vaters (Ihrer Mutter) ergreifen?

a) Das Verb - Präteritum

(1) Schwache Verben

Sie/sie/wir	ich/er/sie(es/das)	du	ihr
arbeiten			
arbeiteten	arbeitete	arbeitetest	arbeitetet
gehören			
gehörten	gehörte	gehörtest	gehörtet
gründen			
gründeten	gründete	gründetest	gründetet
langweilen			
langweilten	langweilte	langweiltest	langweiltet
lernen			
lernten	lernte	lerntest	lerntet
lieben			
liebten	liebte	liebtest	liebtet
machen			
machten	machte	machtest	machtet

(2) Starke Verben

Sie/sie/wir	ich/er/sie/es	du	ihr
beginnen			
begannen	begann	begannst	begannt
bekommen			
bekamen	bekam	bekamst	bekamt
davon/laufen			
liefen davon	lief davon	liefst	lieft
durch/fallen			
fielen durch	fiel durch	fielst	fielt
finden			
fanden	fand	fandest	fandet
geben			
gaben	gab	gabst	gabt
gehen			
gingen	ging	gingst	ging(e)t
kommen			
kamen	kam	kamst	kamt
schreiben			
schrieben	schrieb	schriebst	schriebt
stehen			
standen	stand	stand(e)st	standet
verlassen			
verließen	verließ	verließest	verließt
ziehen			
zogen	zog	zogst	zogt

3) Unregelmäßige Verben

Sie/sie/wir	ich/er/sie/(es/das)	du	ihr
bringen brachten	brachte	brachtest	brachtet
erkennen erkannten	erkannte	erkanntest	erkanntet
kennen kannten	kannte	kanntest	kanntet

(4) Verben auf - ieren

Sie/sie/wir	ich/er/sie/(es/das)	du	ihr
interessieren interessierten	interessierte	interessiertest	interessiertet
komponieren komponierten	komponierte	komponiertest	komponiertet

(5) a) Die Modalverben und “werden”

Sie/sie/wir	ich/er/sie/es	du	ihr
dürfen durften	durfte	durftest	durftet
mögen mochten	mochte	mochtest	mochtet
müssen mußten	mußte	mußtest	mußtet
können konnten	konnte	konntest	konntet
sollen sollten	sollte	solltest	solltet
wollen wollten	wollte	wolltest	wolltet
werden wurden	wurde	wurdest	wurdet

b) Der Genitiv

(1)

	Pronomen		Substantiv
der dieser mein dein sein ihr/Ihr unser eu(e)r	Mask./Neutr. -es	Fem.+Plural - er	Mask./Neutr. - (e)s

Ich kenne den Namen des/dieses Mannes
der/dieser Frau } nicht.

Die Farbe deines Motorrads ist schön.
Die Freunde eurer Freunde sind auch unsere Freunde.

Auch: eines/einer, keines/keiner

(2) Zur Deklination des Substantivs

Der Genitiv Singular Maskulinum und Neutrum hat die Endung - s oder- es. - es haben Substantive auf-s, -ß oder-z:

das Hochhaus	- des Hochhauses
der Fuß	- des Fußes
der Platz	- des Platzes

und viele einsilbige Substantive:

das Buch	- des Buches	
der Berg	- des Berges	aber: der Film-des Films

Wörter auf -nis haben -nisses:

das Zeugnis	-des Zeugnisses

(3) Personennamen

Personennamen haben im Genitiv die Endung -s:

Schuberts Vater	Monikas Freundin
Saadis “Golestan”	Frau Scharifis Wohnung

c) Pronomen ohne Substantiv

	Mask.	Neutr.	Fem.+ Plural
ein kein mein dein sein ihr/Ihr uns(e)r eu(e)r	-er	- s	- e

Ist das Ihr Wagen?	- Ja, das ist meiner.
Ist das sein Auto?	- Ja, das ist seins.
Ist das unser Buch?	- Ja,das ist uns(e)res.
Sind das eure Bücher?	- Ja, das sind uns(e)re.

Sie kennen schon einer/ eins/eine und keiner/keins/keine.

Übungen

1. Antworten Sie negativ.

Beispiel: Wer erkannte seine Begabung, seine Mutter?

Nein, sein Vater erkannte seine Begabung.

a) Wer gab ihm Geigenunterricht, seine Mutter? (sein Vater)

b) Wer sollte den Beruf seines Vaters ergreifen, Einstein? (Schubert)

c) Wer mußte ein Lehrerseminar besuchen, Schliemann? (Schubert)

d) Wer verließ das Gymnasium ohne Prüfung, Hesse? (Einstein)

e) Wer ging mit sechzehn Jahren nach Zürich, Schliemann? (Einstein)

f) Wer komponierte acht Sinfonien, Hesse? (Schubert)

2. Antworten Sie nach dem Beispiel.

Beispiel: Wann wurde Schubert geboren? - Schubert wurde 1797 geboren.

a) Wann wurde Einstein als Professor anerkannt

b) Wann waren Hesses Romane weltberühmt? (zehn Jahre nach seinem Tode)

c) Wem gehörte das Geschäft in St. Petersburg? (Schliemann)

d) Wer sollte den Beruf seines Vaters ergreifen? (Schubert)

e) Wer kam auf ein theologisches Seminar? (Hesse)

f) Wer konnte sechs Sprachen sprechen und schreiben? (Schliemann)

g) Wer fiel durch die Aufnahmeprüfung? (Einstein)

3. Ergänzen Sie die richtigen Verben im Präteritum.

Beispiel: Schliemann ... gern Sprachen. (lernen)

Schliemann lernte gern Sprachen.

a) Einstein .... mit sechzehn Jahren nach Zürich. (gehen)

b) Schubert..........die musikalische Begabung seines Sohnes. (erkennen)

c) Franz ....den Beruf seines Vaters ergreifen. (sollen)

d) Er .... ein Lehrerseminar besuchen. (müssen)

e) Das Studium .... ihn nicht. (interessieren)

f) Die Schule .... ihn. (langweilen)

g) Er .... nie in den Schuldienst .... (zurückkehren)

h) Er .... unzählige Lieder. (komponieren)

i) Einstein .... das Gymnasium mit sechzehn Jahren. (verlassen)

j) Er .... ein gutes Zeugnis. (bekommen)

k) Dann .... er nach Zürich. (gehen)

l) Er .... dort studieren. (wollen)

m) Er .... das Abitur. (machen)

n) Dann .... er studieren. (dürfen)

o) Schließlich .... er Professor. (werden)

p) Mit zweiundvierzig Jahren .... er den Nobelpreis. (bekommen)

4. Antworten Sie nach dem Beispiel.

Beispiel: Haben Sie die Kinder zur Schule gebracht?

Ja, ich mußte die Kinder zur Schule bringen.

a) Bist du früh aufgestanden? b) Sind Sie gestern nach Hause gefahren? c) Hast du dein Motorrad verkauft? d) Haben Sie den Beruf Ihres Vaters ergriffen? e) Haben Sie Abitur gemacht? f) Sind Sie nach Karadj gezogen? g) Hast du Englisch gelernt? h) Haben Sie am Freitag gearbeitet? i) Hast du eine Prüfung gemacht? j) Hast du eine Lehre gemacht?

5. Was kommt in die Lücke.

durfte - konnte - sollte - wollte - mußte

a) Auf Wunsch seines Vaters .... er am Polytechnikum studieren.
b) Er suchte seine Brille, aber er .... sie nicht finden.
c) Er lernte Griechisch, weil er Homers "Ilias" lesen.......... .
d) Er war krank und .... nicht in die Schule gehen.
e) Nach dem Unfall .... er drei Wochen im Krankenhaus liegen.
f) Er .... den Beruf seines Vaters ergreifen.
g) Nach der Prüfung .... er eine Reise machen.

6. wem - wessen

Wem gehört denn	***der Wagen?***	***Der***
	das Fahrrad?	***Das***
	die Brille?	***Die gehört meinem Freund.***
		meiner Freundin.
Wessen Wagen ist das?		***Der Wagen meines Freundes.***
		Das ist seiner.
		Der Wagen meiner Freundin.
		Das ist ihrer.
Wessen Fahrrad ist das?		***Das Fahrrad meines Freundes.***
		Das ist seins.
		Das Fahrrad meiner Freundin.
		Das ist ihrs.
Wessen Brille ist das?		***Die Brille meines Freundes.***
		Das ist seine.
		Die Brille meiner Freundin.
		Das ist ihre.

Bilden Sie Sätze nach den Strukturen.

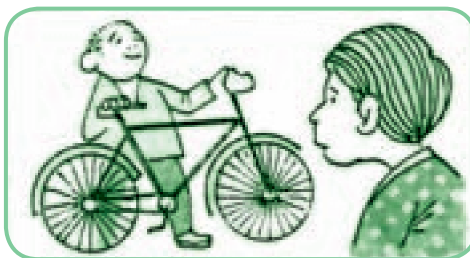
a) Stundenplan (Klassenkammerad – Klassenkameradin) b) Schirm (Bruder – Schwester) c) Roman (Freund – Freundin) d) Fußball (Sohn – Tochter) e) Auto (Vater – Mutter) f) Buch (Lehrer – Lehrerin) g) Haus (Chef – Chefin) h) Zeitung (Vater – Mutter) i) Wohnung (Sohn – Tochter)

7. Ergänzen Sie: mein–, dein, sein, unser, euer, ihr, Ihr

a) Gehört Ihnen dieses Fahrrad? – Ja, das ist .... b) Klaus, sind das unsere Fahrkarten? – Ja, das sind.......... . c) Gehen eure Kinder auch zum Baden? – Nein, ... gehen zum Fußball. d) Ist das ihr Kugelschreiber? - Ja, das ist .... e) Gehört das Buch Klaus? – Ja, das ist .... f) Gehört uns dieser Schirm? – Ja, das ist .... g) Kennen Sie dieses Auto ? – Ja, das ist das Auto .... Lehrerin. h) Frau Banki, gehört Ihnen die Brille? – Ja, das ist .... i) Gestern war ich mit .... Schwester im Kino. j) Wem gehört das Motorrad? Ist das ...., Klaus? – Ja, es ist ....

1. Wem gehört das?

Gehört dir das Fahrrad?
Ja, das ist meins.
(Ja, das gehört mir.)



Gehört Ihnen der Wagen?
Ja, das ist meiner.
(Ja, der gehört mir.)



Gehört Ihnen die Sonnenbrille?
Ja, das ist meine.
(Ja, die gehört mir.)



2. Kennen Sie ...

Saadis “Golestan”?
Beethovens “Neunte”?
Ferdosis “Schahnameh”?
Homers “Ilias”?
Tolstois “Krieg und Frieden”?
Goethes “Faust”?
Shakespeares “Hamlet”?

Ja, natürlich. Das ist ... (eine Sinfonie, eine Dichtung, ein Roman, ein Theaterstück.)

6D

Sprichwörter

- Aus dem Augen, aus dem sinn.
- Es ist besser, keine schuhe als keine Füße zu haben.
- Es ist noch kein Meister vom Himmel gefallen.
- Alte liebe rostet nicht.
- Aller Anfang ist schwer.

Sitzungsergebnis

Die Tür ist weiß
Nein! Die Tür ist schwarz.
Nein! Die Tür ist schwarzweiß.
Nein! Die Tür ist weißschwarz.
Nein! Die Tür ist grau. (Einstimmig)

Wiederholungsübung

Was Kommt in die Lücke?

Wie heißt dieser Wissenschaftler?

Vor tausend Jahren **lebte** ein Junge in der Stadt Rey. Alle .... schon früh seine wissenschaftliche Begabung. Er .... sehr schnell die ganze Mathematik. Die Alchemie .... ihn ganz besonders, denn die Wissenschaftler .... etwas Bestimmtes.
Im Labor .... er Tag und Nacht; dann .... er krank. Er .... zu einem Augenarzt. Der .... 500 Goldstücke und .... : "Das ist das Wissen und nicht das, was du suchst!" Jetzt .... er Rey und .... eine Reise. Er .... nach Bagdad. Dort .... er Medizin. Dann .... er nach Rey ...., und .... in ein Krankenhaus. Viele Menschen .... ihn nun. Er .... 250 Bücher und .... den Alkohol.
Dieser Wissenschaftler .... sehr viel und .... ein guter Moslem.

Leben - erkennen - lernen - interessieren - suchen - experimentieren- werden - müssen - wollen - sagen - verlassen - machen - ziehen - studieren - zurückkehren - gehen - lieben - schreiben - entdecken- arbeiten - sein

(Mohammad S. Rasi)

Wörterverzeichnis

A

das Abitur, -e (6A2)	دیپلم متوسطه
die Absage -n (4 Einladung und Absage)	جواب منفی، جواب رد، انصراف از کاری
die Abschlußprüfung, -en (6A2)	امتحان پایان دوره / سال
die Abteilung, -en (5C1)	قسمت، بخش، گروه
Ach was! (3A1)	برو بابا! نه بابا!
als Achtundvierzigjähriger (6A4)	در چهل‌و هشت‌سالگی
die Adresse, -n (5 StrukTuren)	نشانی، آدرس
der Agust (3Gr.e)	ماه اوت (هشتمین ماه میلادی)
die Alchemie (6w.)	علم کیمیاگری
der Alkohol, -(6w.)	الکل
alles(4C2)	همه چیز، همه‌اش
alt (3A2)	کهنه ـ قدیمی ـ پیر
Wie alt bist du?	چند سال داری؟
am Donnerstag (4A)	روز پنجشنبه
ander - (4A)	... دیگر
an der Front (4Üb.1)	در جبهه
an die See fahren (4w.)	کنار دریارفتن
der Angestellte, -n (5D)	کارمند
an/treiben (3A2)	به حرکت‌درآوردن
der Apparat,-e (1A1)	دستگاه
am Apparat (1A1)	پای تلفن، پشت خط تلفن
der April (3Gr.e)	ماه آوریل (چهارمین ماه میلادی)
das Arabisch (4Üb.3 -1.)	زبان عربی
arbeiten (1A1)	کارکردن
der Archäologe, -n (6A4)	باستان‌شناس (مرد)

die Archäologin, -nen	باستان‌شناس (زن)
der Arm, -e (4 Einladung und Absage)	بازو، دست
auf (3Gr.a)	روی
die Aufnahmeprüfung, -en (6A2)	امتحان ورودی، آزمون پذیرش در دانشگاه
auf/nehmen (1C)	این جا : جذب‌کردن
aufregend (4A)	مهیّج
auf / stehen (4Gr.)	برخاستن
Auf Wiedersehen! (5Üb.5.1)	خداحافظ! به امید دیدار!
auf Wunsch + Gen. (6A2)	بنابر خواست...
der Augenarzt, ¨-e (6w.)	چشم‌پزشک
der Ausflug, ¨-e (4Übung)	گردش، پیک نیک (خارج از شهر)
die Ausgrabung, -en (6A4)	حفّاری
der Ausländer, -(1D1)	(فرد) خارجی یا بیگانه
die Ausnahme, -n (2Gr.c.)	استثناء
aus/sehen (4A)	به‌نظرآمدن
außer (5A1)	این جا : خارج/ بیرون از
außerdem (3A1)	گذشته از این / به غیر از این
der Autoschlüssel, -(2Üb. 7)	سوئیچ ماشین

B

der Bach, ¨-e (3A2)	نهر
backen (3A2)	تنوری کردن، پختن (در تنور یا فر)
Brotbacken (3A2)	پختن نان
baden (3A1)	آب‌تنی کردن
die Bahn, -en (2A2)	راه‌آهن ــ قطار
der Bahnhof, ¨-e (2A2)	ایستگاه راه‌آهن
der Bauer, -n (3A2)	زارع، دهقان، روستایی
die Bäuerin, -nen (3A2)	زن روستایی
der Bauernhof, ¨-e (3A1)	خانه‌ی روستایی با مزرعه

der Baum, ¨-e (3A2)	درخت
die Begabung, -en (6A1)	استعداد
beginnen (6A4)	شروع / آغاز کردن
jmdn. begrüßen (4Üb.3-5.)	به کسی سلام کردن
bekommen (1C)	دریافت کردن، به‌دست‌آوردن
benötigen (1C)	نیاز / احتیاج داشتن
der Berg, -e (3A1)	کوه
bergsteigen (3A1)	کوهنوردی
der Beruf, -e (2A1)	شغل، حرفه
berufstätig (2A2)	شاغل
besonders (1C)	به‌ویژه، به خصوص
etwas Bestimmtes (6w.)	یک چیز مشخص
beten (4B.C)	نمازخواندن، دعاکردن
die Bewegung, -en (3B.a)	حرکت
die Bibliothek, -en (2Üb.6)	کتابخانه
das Bild, -er (4A)	تصویر، عکس
bilden (1C)	ساختن، تشکیل دادن
die Bindehaut, ¨-e(1C)	بافت، غشاء پیوندی
blind (1C)	نابینا
blind werden (1C)	نابیناشدن
die Blume, -n (3A2)	گُل
das Blut (1C)	خون
bluten (1C)	خونریزی کردن
Brasilien (2Üb.5-2.)	برزیل
der Buchladen, ¨-n (3B.a)	کتابفروشی

C

das Cafe', - s(1Üb2.)	کافه
der Chef, -s (5A1)	رئیس (مرد)
die Chefin, -nen (5D)	رئیس (زن)

D

damals (4Üb.2-2.)	آن‌وقت‌ها
dankbar (6A3)	متشکر، شکرگزار
Danke!	متشکرم!
dann (3A1)	سپس، پس ــ آن‌وقت
der Dativ, -e(1B.a)	مفعول با واسطه
das Datum, Daten (3B.e)	تاریخ (تقویم)
Welches Datum haben wir heute? (Üb.5)	تاریخ امروز چیست؟
die Dauer (2A1)	تداوم، مدت
dauern (4C)	طول کشیدن
auf die Dauer (2A1)	در درازمدت، پیوسته
davon/laufen (6A3)	از جایی گریختن
die Deklination, -en (6B.b)	صرف اسم و توابعش
den (5C1)	حرف تعریف مذکر در حالت مفعول بی‌واسطه
denken (6B6)	فکر کردن، اندیشیدن
denn (4Üb.1)	در این‌جا : کلمه‌ی تأکیدی (کلمه‌ی سؤالی برای ابراز علاقه و انتقاد)
deshalb (6A1)	از این رو، بدین جهت
der Deutsche, – n (1D1)	(فرد) آلمانی
die Deutschlehrerin, –nen (4Üb.4)	معلم (زن) زبان آلمانی
der Dezember (3B.e)	ماه دسامبر (دوازدهمین ماه میلادی)

dich (5Ü.12)	تو را (ضمیر دوم شخص مفرد در حالت مفعول بی‌واسطه)
der Dichter, – (6A3)	شاعر
die Dichtung, -en (6C2)	شعر، ادب
dick (4A)	چاق
der/die Dicke. –n (4A)	آقای / خانم چاق
der kleine Dicke? (4A)	آن چاق قدکوتاه؟
der Dienst, -e (6A1)	خدمت
dir (4C)	به تو ــ برای تو (ضمیر دوم‌شخص مفرد در حالت مفعول بی‌واسطه)
diskutieren (3A2)	بحث کردن
doch:	
Erzähl mir doch nichts (5B.f)	نه بابا!
das Dorf, ¨-er (2A1)	ده، روستا، دهکده
der Dorfbewohner, – (3A2)	ساکن ده، روستایی
das Dorffest, – e (3A2)	جشن روستایی
die Dreizimmerwohnung, -en (5Üb.1)	آپارتمان سه‌اتاقه
dritt – (5C1)	سوّم
drüben (5Üb. 13)	آن طرف
durch (3A2)	از میان، توسط
durch/fallen (6A2)	مردودشدن
dürfen (1C)	اجازه‌داشتن (فعل معین)

E

ebenfalls (4A)	همچنین، نیز
die Ecke, –n(1A3)	گوشه
das Eigelb, -e(1C)	زرده‌ی تخم‌مرغ
eigentlich (1A1)	راستی ــ در اصل، اصلاً
der Eimer, –(1A3)	سطل، دلو
einander (3A2)	یکدیگر، همدیگر
das Einfamilienhaus, ¨-er (2A2)	خانه‌ی تک‌خانوار

einjährig (6A1)	یک‌ساله
ein/kaufen (5B.d.)	خریدکردن
die Einladung,-en (4A)	دعوت
einmal (4Üb.1)	یک بار
einsilbig (6B.b)	یک‌بخشی، یک‌سیلابی
einstimmig (6D)	یک صدا، هم صدا
einundsiebzig (5A)	هفتادویک
einverstanden (sein) (4A)	موافق‌بودن
der Einwohner, – 2(Üb.1)	ساکن
der einzige Arbeiter (5D)	تنها کارکن، تنها کسی که کار می‌کند.
die Einzimmerwohnung, -en (2Üb.4-1.)	آپارتمان یک‌اتاقه
das Eis – (1 – Wochentage)	یخ
die Endung, -en (3B.d)	پسایند، خاتمه‌ی کلمه
das Englisch (4Üb.4-1.)	زبان انگلیسی
entdecken (6w.)	کشف‌کردن
der Entdecker, – (6A4)	کاشف
enthalten (1C)	حاوی/ شامل‌بودن : این جا : دارا بودن
erhalten (1C)	حفظ کردن، نگه داشتن
ergänzen (2CB)	کامل کردن
einen Beruf ergreifen (6A1)	شغلی را انتخاب‌کردن
die Erkältung, – en (1C)	سرماخوردگی
erkennen (6B.a)	شناختن، تشخیص‌دادن
die Ermüdung, -en (1C)	خستگی
die Ernährung, -en (1A)	تغذیه
die Ernte, – n (3A1)	محصول
erreichen (3w.)	دسترسی‌پیدا کردن، رسیدن
erst –(3Üb.1- 6.)	تازه، اولین
der Erwachsene, – n (2A1)	بزرگسال
erwarten + Akk. (5Üb. 5-1.)	انتظارداشتن، منتظربودن

erzählen (4Üb.3- 8.)	تعریف کردن
Es geht mir gut. (4B Einladung und Absage)	حال من خوب است.
das Essen (4Üb.3- 2.)	غذا
etwa (3A2)	حدوداً، تقریباً
euch (4 Einladung und Absage)	به شما (ضمیر دوم شخص جمع در حالت مفعولی با واسطه)
experimentieren (6w.)	آزمایش/ تجربه کردن
die Exportfirma, – firmen (5D)	شرکت صادراتی

F

die Fahrgelegenheit, -en (4A)	وسیله‌ی ایاب و ذهاب
der Fahrplan, ¨-e (5C2)	برنامه‌ی حرکت (وسایل نقلیه)
das Fahrrad, ¨-er (3Üb.1)	دوچرخه
fallen + durch (Akk.) (6Üb.2)	مردودشدن
Falsch! (4A)	این‌طور نیست! اشتباه است!
"Faust" (6C2)	نمایشنامه‌ای از گوته
der Februar (3B.e)	ماه فوریه (دومین ماه میلادی)
fehlen(1C)	کم‌بودن، فاقدبودن، غایب‌بودن
der Feierabend,¨-e (5A2)	پایان / تعطیل کار روزانه، فراغت از کار روزانه
das Feld -er (3A2)	مزرعه
das Fenster, – (3A2)	پنجره
der Fernfahrer, – (2A1)	راننده‌ی کامیون (راه دور)
fern/sehen (3Üb.3.)	تلویزیون دیدن
fertig (1A3)	حاضر، آماده
das Fest, – (3A2)	جشن
der Firma, Firmen (1Üb.7)	شرکت
die Flasche, – n (1A3)	بطری
fließen (3A2)	جاری‌شدن
fließend (5A4)	روان
der Flughafen, ¨– (1D1)	فرودگاه

der Flugschein, – e (1D1)	بلیت هواپیما
fotografieren (3Üb.1- 5.)	عکس‌گرفتن
Frankreich (2Bd)	فرانسه
das Französisch (2C, 6A4)	زبان فرانسه
der Freitagnachmittag, – e (4 B Einladung und Absage)	بعدازظهر جمعه
die Fremdsprache, –n (6A2)	زبان بیگانه، زبان خارجی
die Freundin –nen (6B)	دوست (زن)
der Frieden (6C2)	صلح
die Front, – en (4Üb.1)	جبهه
früh (1A2)	زود
früher (4Üb.2- 2.)	قبلاً، سابقاً، سابق
der Frühling, – e (3B.e)	بهار
frühstücken (3A2)	صبحانه خوردن
der Fußball, ¨– e (6Üb.6)	توپ فوتبال
der Fußball (6Üb.7)	فوتبال

G

gar	اصلاً، واقعاً
Gar nicht so gut! (5IG.)	زیاد جالب نیست!
der Garten, ¨– (3A2)	باغ، باغچه
das Gas,– e(1A3)	گاز
der Gasherd, – e(1A3)	اجاق گاز
geboren	متولدشده، زاییده‌شده
Schubert wurde 1797 geboren. (6Üb.2)	شوبرت در سال ۱۷۹۷ متولد شد
gefährlich (3A1)	خطرناک
das Gefrierfach, ¨– er (1A3)	جایخی (یخچال)
gegen (4A)	مقابل، در برابر
gehen:	

Es geht mir gut! (4 B Einladung und Absage)	حال من خوب است!
Wie geht's? (4D)	چطوری؟ حالت چطوره؟
Wo geht's zum (zur) ...? (1Üb.1)	راه ... از کدام طرف است؟
Das geht nicht. (1IG.)	این نمی‌شود.
gehören + Dat. (6C)	تعلّق‌داشتن
der Geigenunterricht (6A1)	درس ویولن
das Genie, –s (6A)	نابغه
der Genitiv (6B)	حالت اضافه‌ی ملکی
die Geographie, –(1D2)	جغرافیا
das Geschäftsleben (6A4)	زندگی شغلی
die Geschichte (1D2)	تاریخ
gestern (4D)	دیروز
es gibt:	یافت می‌شود، وجود دارد
Wo gibt es hier Schuhe? (5 C1)	این جا کفش کجا دارند؟
das Goldstück, – e (6w.)	سکه‌ی طلا
grau (1-Wochentage)	طوسی، خاکستری
griechisch (6A4)	یونانی
das Griechisch (6A3)	زبان یونانی
gründen (6 A4)	تأسیس‌کردن
die Grundschule, –n (6A3)	مدرسه‌ی ابتدایی
der Gruß, ¨–e (4 B Einladung und Absage)	سلام، درود
Guten Morgen! (4D)	صبح‌بخیر!
das Gymnasium, –sien (6A2)	دبیرستان



die Hauptstadt, ¨– e (2C)	پایتخت
der Haushalt, – e (3A2)	خانه‌داری
den Haushalt machen (3A2)	خانه‌داری‌کردن
die Haut, Häute (1C)	پوست
die Hautschäden (1C)	آسیب‌های پوستی
heiraten (5A3)	ازدواج‌کردن
helfen + bei (3A1)	در انجام کاری کمک‌کردن

der Herbst, – e (3-1) (3B-e)	پاییز
der Herd, – e (1A3)	اجاق
her/kommen (1B)	(به) این‌جا آمدن
herzlich (4 B Einladung und Absage)	قلبی، صمیمانه
Herzlichst (4B Einladung und Absage)	با صمیمانه‌ترین درودها
der Himmel (1–Wochentage)	آسمان
hin/gehen (5B-d)	به جایی رفتن
jmdm. einen Zettel hin/legen (5A1)	برای کسی یادداشت‌گذاشتن
hinter (3B-1)	پُشت
hoch (3A2)	بلند، مرتفع
hoch über (3A2)	بر فراز
die Hornhaut (1C)	قسمت سخت‌شده‌ی پوست
die Hose, –n (4A)	شلوار
der Humor (1D)	شوخی، مزاح، شوخ‌طبعی

I

ihm (5 Strukturen)	برای او، به او (ضمیر سوم شخص مفرد مذکر و خنثی در حالت مفعولی با واسطه)
ihn (5 Strukturen)	او را (ضمیر سوم شخص مفرد مذکر در حالت مفعولی بی‌واسطه)
ihnen (5 Strukturen)	برای آنها، به آنها.. (ضمیر سوم شخص جمع در حالت مفعولی با واسطه)
Ihnen (5B-b)	برای شما، به شما .. (ضمیر مخاطب محترمانه در حالت مفعولی با واسطه)
Wie geht es Ihnen? (5IG.)	حال شما چطور است؟
ihr (5 Strukturen)	برای او، به او .. (ضمیر سوم شخص مفرد مؤنث در حالت مفعولی با واسطه)
Ihr (5B-b)	مال شما (ضمیر ملکی مخاطب محترمانه)
das Instrument, – e (4C)	ساز، آلت موسیقی
interessant (3A2)	جالب توجه
interessieren + Akk. (6A1)	علاقه‌داشتن
das Interrogativpronomen (5B-a)	ضمیر استفهام
das Interview, – s (2A)	مصاحبه
Italien (2B-d)	ایتالیا
das Italien (2C,6A4)	زبان ایتالیایی

J

das Jahr, –e (3B-e)	سال
mit 16 Jahren (6A1)	در شانزده سالگی
die Jahreszeit, –en (3B-e)	فصل
der Januar (3B-e)	ماه ژانویه (اولین ماه میلادی)
jed – (4B-d)	هر
der Juli (3B-e)	ماه جولای (هفتمین ماه میلادی)
jung (3A1)	جوان
der Junge, –n (3A1)	جوان، پسر
der Juni (3B-e)	ماه ژوئن (ششمین ماه میلادی)

K

der Kamerad, –en (4A)	رفیق
die Karotte, –n (1C)	هویج
die Kartoffel, –n (1Üb.1)	سیب‌زمینی
der Kaufmann, Kaufleute (4Üb. 3-8.)	تاجر، بازرگان
kennzeichnen (1C)	مشخص‌کردن، علامت گذاری‌کردن
der Kilometer, – (2A2)	کیلومتر
das Kino. –s (1Üb.1)	سینما
die Kirche, –n (1Üb.4.2)	کلیسا
die Klasse, –n (4A)	کلاس (درس)
das Klassenfoto, –s (4Üb.2-2.)	عکس یادگاری از کلاس
der Klassenkamerad, –en (4A)	همکلاس
die Klassenkameradin, –nen (6Üb.6)	همکلاس (زن)
der Klassensprecher, –(4A)	مبصر کلاس
das Klassentreffen, – (4Üb.3-2.)	گردهمایی همکلاسی‌ها (بعد از فارغ‌التحصیلی)
das Kleingeld (2Üb. 12)	پول خرد
die Kleinstadt, ¨– e (2Üb1.)	شهرک
klingeln (1A1)	زنگ‌زدن
das Kochbuch, ¨– er (1A3)	کتاب آشپزی

kommen:	
Wie kommt man zum (zur) ...? (1Üb.1)	چگونه می‌شود به ... رسید؟
komponieren (6A1)	آهنگ‌ساختن
der Komponist, – en (6A1)	آهنگساز
die Konversation, – en (5C)	مکالمه، گفتگو
der Körper, – (1C)	بدن، جسم
das Kreuz, – e (4A)	صلیب، این جا : علامت ضربدر
die Küche, –n (1A1)	آشپزخانه
der Kuchen, – 1(w.)	کیک، شیرینی
die Kuh, ¨– e (3A1)	گاو
der Kühlschrank, ¨– e (1A3)	یخچال
sich kümmern um (4A)	به‌فکرکسی یا چیزی‌بودن
kurz (6A1)	کوتاه
die Kutsche, –n (3 Üb.1)	درشکه، کالسکه



das Labor, – e (6w.)	آزمایشگاه
das Land, ¨– er (2A1)	سرزمین، کشور، مملکت
auf dem Lande (2A1)	در روستا
lang:	
Wie lange hat es gedauert? (4C)	چقدر طول کشیده است؟
jmdn. langweilen (6A1)	خسته‌کردن، حوصله‌ی کسی را سربردن
langweilig (6Üb.5)	خسته‌کننده، یکنواخت
das Latein (6A3)	زبان لاتین
laut (2A1)	پر سروصدا، (با صدای) بلند
leben (6w.)	زندگی‌کردن
das Leben, –(6C)	زندگی، حیات
achtzehntes Lebensjahr	سن هجده سالگی
der Lebenslauf, ¨– e (6A)	شرح حال ــ زندگینامه
lebenswichtig (1C)	حیاتی
die Leber, – (1C)	جگر
legen (1Üb1.)	قراردادن، گذاشتن

die Lehre, – n (6A4)	تعلیم، دوره‌ی آموزشی برای آموختن یک حرفه‌ی معین
in die Lehre kommen (6A4)	تحت تعلیم قرارگرفتن
der Lehrer, – (4A)	معلم، دبیر
die Lehrerin, – nen (4Üb.3-5.)	معلم (زن)
das Lehrerseminar, – e (6A1)	دانشسرای تربیت معلم
letzt– (4A)	آخرین
liegen (1Üb1.)	قرارداشتن، واقع‌شدن
der Lift, – e (3A1)	آسانسور، بالابر
link – (4)	چپ
die Literatur, – en (1D2)	ادبیات



der Mai (3B -e)	ماهِ می (پنجمین ماه میلادی)
Geh mal zur Post! (5W.)	یک سری برو اداره‌ی پست!
Rate doch mal! (4A)	حدس بزن دیگه!
die Mannschaft, – en (4A)	تیم
die Marke, – n (5w.)	نشانه، علامت ــ این جا : تمبر پستی
der März (3B-e)	ماه مارس (سوّمین ماه میلادی)
der Mathematiklehrer, – (6A2)	معلم ریاضی
die Mechanikerlehre, –n (6A3)	دوره‌ی مکانیکی
die Medizin (6w.)	طب، پزشکی
das Mehl, – e (3A2)	آرد
die Menge, –n (1C)	مقدار
der Mensch, – en (2C)	بشر،انسان
die Million, – en (2Üb.)	میلیون
die Millionenstadt, ¨– e (2Üb.)	شهر میلیونی
der Minidialog, – e (3B -e)	گفت وگوی کوتاه
mir (5D)	برای من، به من .. (ضمیرشخصی اول شخص مفرد در حالت مفعول با واسطه)
das Mittel, – (1C)	وسیله، ماده
der Mittelpunkt (6A3)	(نقطه) مرکز (ی)
im Mittelpunkt stehen (6A3)	مرکزیت‌داشتن
der Monat, – e (3B-e)	ماه (سی‌روز)

morgen (4Üb.3- 2.)	فردا
heute morgen (4Üb.3- 2.)	امروز صبح
morgens (4C)	هنگام صبح، این جا : صبح‌ها
die Mühle, – n(3A2)	آسیاب
das Mühlrad, ¨– er (3A2)	چرخ آسیاب
der Müll, –(1A3)	زباله
der Mülleimer, –(1A3)	سطل زباله، زباله‌دان
der Müller, –(3A2)	آسیابان
München (2C)	مونیخ
das Museum, Museen (2Üb.3)	موزه
musikalisch (6A1)	موزیکال، مربوط به موسیقی
die Muttersprache, –n (2C)	زبان مادری

N

Na, ...? (5D)	خُب ...؟
nach Hause kommen (4B Einlandung und Absage)	به‌خانه آمدن
nächst–(4B Einlandung und Absage)	بعدی
nachts (4D)	به هنگام شب ــ شب‌ها
um zwölf Uhr nachts (4D)	ساعت دوازده شب
die Nahrung, -en (1C)	غذا، خوراک
das Nahrungsmittel, – (1C)	مواد غذایی
nämlich (4D)	یعنی، به عبارتی دیگر، دقیقتر بگویم
nicht mehr (2Üb.)	نَه دیگر (قید)، دیگر نـ ...
nichts (5B-f)	هیچ‌چیز، هیچ
nie (4Üb.2-1.)	هرگز
das Niederländisch (6A2)	زبان هلندی
niemand (1A2)	هیچکس
der Nobelpreis, – e (6A2)	جایزه‌ی نوبل
der Norden (3C1)	شمال
im Norden von (=nördlich von) (3C1)	در شمالِ
nördlich (3C1)	شمالی

notwendig (1C)	ضروری، لازم
der November (3B-e)	ماه نوامبر (یازدهمین ماه میلادی)



das Objekt, – e (1C)	مفعول (با واسطه یا بی واسطه)
oder (4C1)	یا
ohne (1A3)	بدون
der Oktober (3B-e)	ماه اکتبر (دهمین ماه میلادی)
die Ordinalzahlen (3B -d)	اعداد ترتیبی
der Ort, – (3A1)	محل، مکان، جایگاه
der Osten (3C1)	شرق
im Osten von (= östlich von) (3C1)	در شرق
östlich (3C1)	شرقی
Österreich (2Üb.)	اتریش



parken (3A1)	پارک کردن (اتومبیل)
der Parkplatz, ¨– e (3A1)	پارکینگ
das Partizip II (4B -c)	اسم مفعول
passen	مناسب بودن
die Pension, – en (3Üb.1.4.)	پانسیون، مهمانسرا
das Perfekt (4B-c)	ماضی نقلی
das Personalpronomen (5B -b)	ضمایر شخصی
der Personenname, –n (6B-b)	نام (شخص)
die Pfanne. –n (1A3)	تابه، ماهی تابه
das Pferd, – e (3A1)	اسب
die Physik (1D2)	فیزیک
das Politechnikum (6A2)	پلی تکنیک، دانشگاه صنعتی

das Portugiesisch (6A2)	زبان پرتغالی
das Possessivpronomen, – (4B-a)	ضمیر ملکی
das Postamt, ¨– er (1Üb.1)	اداره‌ی پست
die Präposition, – en (2B-a)	حرف اضافه
das Präteritum (– 4B-b)	ماضی مطلق
der Preis, – e (6Üb.3)	قیمت ـ جایزه
prima (5lG.)	عالی
der Professor, – en (6A2)	استاد، پروفسور

Q

das Quiz (3D)	مسابقه‌ی پرسش و پاسخ، مسابقه‌ی هوش
das Quizteam, –s (3D)	مجریان مسابقه‌ی پرسش و پاسخ

R

das Rad, ¨– er (3A2)	چرخ
raten (4A)	حدس‌زدن
Rate mal ! (4A)	حدس بزن!
Rate doch mal ! (4A)	حدس بزن دیگه!
der Rathausplatz, ¨– e (1Üb.1)	میدان شهرداری
rauchen (3Üb.3)	سیگارکشیدن، دودکردن
das Regal, – e (1A3)	قفسه
reich (1C)	پولدار، غنی از لحاظ چیزی
die Reise, –n (6We.)	سفر
reiten (3A1)	اسب‌سواری‌کردن
die Republik, – en (2Üb.)	جمهوری
Richtig! (4A)	صحیح (درست) است.
die Richtung, – en (3C1)	جهت
die Ruhe (3A2)	سکون ـ سکوت، آرامش

ruhen (3A2)	استراحت‌کردن، خوابیدن
rund (1A)	گرد، مدور
das Russisch (6A4)	زبان روسی

S

die Sache, –n (5B)	چیز، شئ، مسئله
der Schaden, ¨– (1C)	خسارت، ضرر
der Schalter. – (1D1)	گیشه، باجه
der Schi, – er (3Üb.1.4.)	اسکی
Schi fahren (3Üb.1.4.)	اسکی کردن
das Schiff, – e (3Üb.1)	کشتی
schlafen (4B-c)	خوابیدن
schlecht (4Üb.3)	بد
schließlich (6A1)	بالاخره
schmal (3A2)	باریک
der Schnee,– (1–Wochentage)	برف
schnell (6w.)	سریع، تند
der Schuh, – e (5C1)	کفش
die Schuhabteilung, – en (5C1)	قسمت فروش کفش
der Schuldienst, – e (6A1)	خدمت فرهنگی
der Schüler, –(4C)	دانش‌آموز
die Schulzeit, – en (4Üb.3-2.)	دوران مدرسه
schützen (vor+Dat.) (1C)	محافظت‌کردن (از)
schwach (1B-c)	ضعیف
die Schweiz (2B-d)	سوئیس
die Schwester, – n (1Üb.6.)	خواهر
der See, – n (3A1)	دریاچه
sehen (4w.)	دیدن
die Sekretärin, – nen (5A1)	منشی (زن)

selbst (5A3)	خود، شخصاً
das Seminar, – e (6A3)	این‌جا : دانشکده
der September (3B - e)	ماه سپتامبر (نهمین ماه میلادی)
die Sinfonie, –n (6A1)	سمفونی
die Sitzung, – en (6D)	جلسه، نشست
das Sitzungsergebnis, – se (6D)	نتیجه‌ی جلسه
sofort (4A)	بلافاصله
sogar (1C)	حتّی
der Sommer, – (3A1)	تابستان
die Sonate, – n (6A1)	سونات
sondern (3Üb.4)	بلکه
nicht nur ..., sondern ... (3Üb.4)	نه‌تنها ... بلکه ...
das Spanisch (6A4)	زبان اسپانیولی
spielen (4C1)	بازی کردن
der Spinat, – e (1C)	اسفناج
der Sportlehrer, – (4Üb.3- 4.)	معلم ورزش
die Sprache, – n (2C)	زبان
sprechen (2C)	صحبت کردن
stehen (1A3)	قرار داشتن، ایستادن
Hier steht, ... (5A3)	این جا نوشته شده است، ...
steil (3A2)	سربالا/سرپایین، شیب‌دار
der Stock, Stockwerke (5C1)	طبقه
der Stoff, – e (1C)	ماده
das Streichquartett, – e (6A1)	این جا : قطعه‌ی موسیقی که با چهار ساز زهی اجرا می‌شود، ارکستر با چهار ساز زهی
die Struktur – en (5A)	ساختار
studieren (4B - c)	تحصیل کردن (در دانشگاه)
das Studium, Studien (6A4)	این جا : تحقیق، مطالعه ــ تحصیل (دانشگاهی)
suchen (2B - f)	جستجو کردن

der Süden (3C1)	جنوب
im Süden von (=südlich von) (3C1)	در جنوب
südlich (3C1)	جنوبی

T

täglich (1C)	روزانه
die Tageszeit, – en (3B-e)	موقع روز ــ وقت روز
die Tante, – n (3A2)	خاله، عمه، زن دایی، زن عمو
die Theologie (6A3)	علم کلام، الهیات
theologisch (6A3)	مربوط به علوم الهیات
Theologisches Seminar (6A3)	دانشکده‌ی الهیات
Die ist zu Tisch. (5A2)	او (مؤنث) رفته غذا بخورد
die Tochter, ¨– (2A2)	دختر
der Tod (6A3)	مرگ
der Topf, ¨– e (1A3)	ظرف، قابلمه
das Treffen, – (4C)	دیدار، گردهمآیی
treffen (4Üb.3- 2.)	دیدارکردن
die Türkei (2A1)	ترکیه

U

über (1C)	(از) بالای، روی ــ این جا : بیش از
um/ziehen von+nach (4Üb.3-2.)	نقل مکان کردن از ــ به، اسباب کشی کردن از ـ به
der Umzng,¨– e (2w.)	اسباب کشی، نقل مکان
der unfall,¨ e(4B2)	سانحه، تصادف
ungesund (2A1)	ناسالم
uns (5Üb.4-3.)	به ما، برای ما … (ضمیر شخصی اول شخص جمع در حالت مفعول با واسطه)
unter (3B-a)	زیر
die Unterhaltung, – en (1D1)	مکالمه، گفتگو
untrennbar (4B-c)	جدانشدنی
unzählig (6A1)	بی شمار
im Urlaub (2B-d)	هنگام مرخصی
Urlaub machen (3D)	مرخصی رفتن

V

veranstalten (4A)	ترتیب دادن
sich verbinden (mit) (5A1)	ارتباط تلفنی برقرار کردن با...
verboten (sein) (3IG.)	ممنوع، قدغن
verdienen (6A4)	(پول) درآوردن، کسب کردن
vergessen (5B-d)	فراموش کردن
verheiratet (sein) (3Üb.2)	متأهل
verkaufen (6Üb.4)	فروختن
verlassen (6A1)	ترک کردن
verlieren (4B-c)	گم کردن، ازدست دادن
verreisen (5A2)	به مسافرت رفتن
verschaffen (6A1)	جور/ تهیه کردن
verschieden (1C)	مختلف، گوناگون
verstehen (5A3)	فهمیدن، درک کردن
versuchen (6A3)	سعی کردن
das Vieh (3A2)	چهارپا (گاو، گوسفند)، حشم
Vielen Dank! (4B Einladung und Absage)	خیلی متشکرم!
viel lieber (2A1)	خیلی بیشتر
in vierzhen Tagen (4B Einladung und Absage)	چهارده روز دیگر
das Vitamin, –e(1C)	ویتامین
vitaminreich (1C)	ویتامین دار، غنی از لحاظ ویتامین
der Verbstamm,¨-e(1B)	ریشه‌ی فعل
die Vokaländerung, -en(1B)	تغییر حرف با صدا
von seinem achtzehnten Lebensjahr an (6A3)	از هجدهمین سال زندگی اش
vor (3B-a)	مقابل، جلو ــ قبل
vor allem (1C)	پیش از همه چیز
vor zwei Jahren (4Üb.3-2.)	دو سال پیش

vorig – (4B Einladung und Absage)	...قبل، قبلی
vor/schlagen (4A)	پیشنهاد کردن
die Vorsilbe, –n (5B-d)	پیشوند

W

das Wachstum (1c)	رشد، نموّ
wandern (3A1)	(پیاده) گشتن، راهپیمایی کردن
..., warum nicht? (5IG.)	...چرا که نه؟
die Wasserflasche, – n (1A3)	بطری آب
die Wassermühle, – n (3A2)	آسیاب آبی
der Weg, – e (3A2)	راه
O weh! (1–Wochentage)	ای وای!
weil (2A1)	برای اینکه، زیرا
weißschwarz (6D)	سفید و سیاه
weitere Sprachen (6A4)	زبان‌های دیگر
weiter/fahren (3A1)	به حرکت ادامه دادن (با وسیله‌ی نقلیه)
die Welt, – en(2C)	دنیا، جهان
weltberühmt (6A3)	دارای شهرت جهانی، مشهور در دنیا
wem? (3A2)	برای چه کسی؟ به چه کسی؟ ... (ضمیر استفهامی سوم شخص مفرد مذکر و خنثی در حالت مفعولی با واسطه)
wen (1A1)	چه کسی را؟ که را؟ (ضمیر استفهامی در حالت مفعولی بی واسطه)
wenigstens (5A1)	لااقل، اقلاً
werfen (1Üb.3-1.)	انداختن، پرتاب کردن
wessen? (6Üb.6)	مال کی؟ (ضمیر استفهامی ملکی)
der Westen (3C1)	غرب
im Westen von (=westlich von) (3C1)	در غرب
westlich (3C1)	غربی

das Wetter, –(1–Wochentage)	آب و هوا
wie viele? (2Üb.)	چند تا؟
Wie weit ist es ...? (1Üb.8)	تا ... چقدر فاصله است؟
wieder/kommen (5A1)	برگشتن
Wien (2Üb.)	وین (پایتخت اتریش)
die Wiese, –n (3A2)	چمنزار
Den wievielten haben wir heute? (3B3)	امروز چندم است؟
der Winter (3B.e)	زمستان
das Wissen (6w.)	دانش، علم
der Wissenschaftler, – (6W.)	دانشمند، عالم
die Woche, – n (4A)	هفته
der Wochentag, – e (1)	روزِ کار (در هفته)، ایام هفته
Na, warum wohl? (3 IG.)= Was meinen Sie warum!	منظورتان از این سؤال چیست!
die Wohnug, – en (2A1)	آپارتمان
das Wohnzimmer, –(1A2)	اتاق نشیمن
die Wolke, –n (2Üb.4-1.)	ابر
der Wolkenkratzer, – (2Üb.4-1.)	آسمان خراش
wovon? (4Üb.7)	ازچه؟
der Wunsch, ¨– e(6A2)	خواست، تقاضا، آرزو
auf Wunsch + Gen. (6A2)	... به درخواستِ

Z

der Zahn, ¨– e(1C)	دندان
das Zahnfleisch (1C)	لثه
das Zahnfleischbluten (1C)	خون ریزی لثه
zeigen (4B Einladung und Absage)	نشان دادن
die Zeitangabe, – n (3B-e)	تاریخ
das Zeugnis, – se (6A2)	گواهینامه، مدرک
ziehen (in/auf + Akk)(2A1)	اسباب کشی کردن (به)، کوچ کردن (به)

ziehn nach (in) (6A4)	نقل مکان کردن به
das Zimmer, – (1A2)	اتاق
zu (2A1,3B-a)	به ــ بیش از اندازه (در جلوی صفت)
zu Hause (4Üb.1)	در منزل/ خانه
zum Tee (4B Einladung und Absage)	برای (صرف) چای
zurück/kehren (6A1)	بازگشتن
zu/sagen (4A)	پذیرفتن
zu/sehen(3A2)	تماشا کردن
zweit – (4Üb)	دوّم، دوّمین
zwischen (3B-a)	بین، میان

معلمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره‌ی مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران ـ صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ ـ گروه درسی مربوط و یا پیام‌نگار (Email) talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

